

برنامه حزب سوئیسال دمکرات

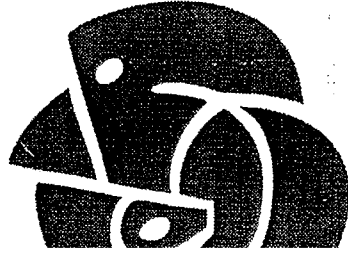
سوئد

The Swedish Social Democratic Party Program

(in farsi)

Adopted by the 32nd Congress
of the Swedish Social Democratic Party
in September, 1993

مضوبه سى و يكمين كنكره سال ۱۹۹۰ كه با تفسيراتى در كنكره حزب
سوئيسال دمكرات در تاريخ ۱۵ تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۳ در گوتنبورگ
مورد تصويب قرار گرفت



برنامه حزب
مصوبه سی و یکمین کنگره سال ۱۹۹۰ که با تغییراتی در کنگره حزب سوسیال
دمکرات ۱۵ تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۳ در گوتنبرگ تصویب گردید.

پیشگفتار
این برنامه که هفتمین برنامه حزبی حزب سوسیال دمکرات کارگری سوئد می
باشد، در کنگره سال ۱۹۹۰ حزب به تصویب رسید. در کنگره های سالهای ۱۸۹۷،
۱۹۱۱، ۱۹۲۰، ۱۹۴۴، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۵ هم برنامه حزب تصویب شد.
نمایندگان دایمی حاضر در کمیسیون برنامه که طرح پیشنهادی و برنامه حزبی سال
۱۹۹۰ را آماده نمودند عبارت بودند از: اینگوار کارلسون (سرپرست)، آکه
گوستاوسون، آن ماری لیند گرن، اینگا توره سون و برتیل وینبری.
جانشینان عبارت بودند از: ماتس هلستروم، لارش اریک اریکسون، سورن مانهایمر،
رونه مولین و بیرن فن سیدو.
منشی اول کمیسیون برنامه آن کوک بود. در نوشتن برنامه آن ماری لیند گرن و
گودموند لارشون نیز با منشی همکاری داشته اند.
کنگره حزبی سال ۱۹۹۰ همچنین کمیسیون برنامه را نیز با ترکیب زیر انتخاب
نمود.

نمایندگان دایمی: اینگوار کارلسون (رئیس)، آکه گوستاوسون، آن ماری
لیند گرن، مارگوت والسترون و برتیل وینبری. شخص اخیر در جریان برگزاری
کنگره فوت کرد.

جانشینان: لارش اریک اریکسون، ماتس هلستروم، بیرن فن سیدن، سرن مانهایمر و
برتیل یونسون هستند.

آن کوک بار دیگر از سوی رهبریت حزب بعنوان منشی اول حزب انتخاب گردید.
کمیسیون برنامه کنگره حزبی سال ۱۹۹۳ پیشنهادی در جهت اصلاح متن بخش
مربوط به محدود حاکمیت کاپیتالیستی و کمونیستی ارائه داد که مورد تصویب
کنگره قرار گرفت.

اعضای منتخب کمیسیون برنامه کنگره حزب در سال ۱۹۹۳ بشرح زیر می باشد.
نمایندگان دایمی: اینگوار کارلسون (رئیس)، آکه گوستاوسون، آن ماری
لیند گرن، مارگوت والسترون و سورن مانهایمر.

جانشینان عبارتند از: ماتس هلستروم، بیرن فن سیدن، برتیل یونسون، سونه هانس
و یاریو اورمو پالمیرلوند. رهبری حزب آن کوک را بعنوان منشی برگزید.

اجتماعی موجب ایجاد زمینه های گوناگونی برای شهروندان می گردد و آنها باید بتوانند از این آزادیها و حقوق مدنی خود استفاده نمایند.

دفاع از آزادیهای شهروندان و تحکیم آن از طریق رهاسازی انسانها از تنگدستی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نیز پیشرفت آنها از راه دفع وابستگی انسانها به قدرتهای اقتصادی خصوصی یکی از مهمترین وظایف سوسیال دمکراسی است.

سوسیال دمکراسی هم نگاهیان آزادیهای فردیست و هم آزادیهای حق تصمیم گیری گروه های انسانی برای اداره مسایل مشترک خود. آزادی باید به انسانها امکان پیشرفت بدهد، یا بصورت انفرادی و یا به اشکال دیگری که انسانها در همکاری با یکدیگر انتخاب می کنند.

برابری

سوسیال دمکراسی برای تقسیم عادلانه منابع زیرزمینی بین مردم و تساوی حقوق تمامی ملتها همانند اعضای هم تراز جامعه جهانی تلاش می نماید. سوسیال دمکراسی خواهان آنست که برابری را بشما به بیان ارزشهای همگانی و برابری واقعیت بخشد. سوسیال دمکراسی در جهت برابری در تقسیم امکانات و وسایلی که برای انسانها جهت تأثیر گذاری آنها بر جامعه و زندگی شان حائز اهمیت اند می کوشد. استقلال رأی، بنیه مالی، آموزش و پرورش و فرهنگ از جمله این امکانات و وسایل هستند. برابری پیش شرط آزادی است، افرادی که از عدم برابری در جامعه آسیب می بینند ناگزیر در جریان پیشبرد زندگی خود از آزادی کمتری برخوردار می شوند. سوسیال دمکراسی همچون دستاوردی از خواست آزادی و برداشت خورده از اعتبار و ارزشهای برابر تمام انسانها، مخالف هر گونه اختلاف طبقاتی و تبعیض می باشد.

همانند مبارزه با اختلاف طبقاتی باید با اختلاف جنسی نیز مبارزه شده، سوسیال دمکراسی مخالف نظامی است که در آن تقسیم حقوق و مسئولیت وظایف امور بر اساس جنسیت صورت گرفته باشد. برداشت های آنچنانی در باره ارزش تعلق جنسی بیولوژیکی که موجب پیدایش شرایط زندگی کاملاً متفاوتی برای مردان و زنان می گردد، باید تغییر یابد و موضع سنتاً تحمیل شده در باره ی زنان، بعنوان طبقه زیردست در زندگی اجتماعی و محیط کار باید جای خود را به برابری بین زن و مرد بدهد.

اصول کلی

اهداف سوسیال دمکراسی

هدف سوسیال دمکراسی اینست که ایده آلهای دمکراسی بر همه ی ارکان جامعه و روابط میان انسانها تأثیر بگذارد و بدینطریق به فرد انسانها امکان زندگی برابر و برارزش را بدهد. در راه رسیدن به این هدف سوسیال دمکراسی خواهان ایجاد جامعه ایست که در آن همه ی مردم در امر تولید و شیوه توزیع آن خود حق تصمیم گیری داشته باشند و همه ی اعضای جامعه از قید وابستگی به هر نوع گروه بندی خارج از اراده آنان رهایی یافته و نظام طبقاتی جای خود را به یگانگی برای همکاری انسانها بر اساس آزادی و برابری بدهد. این دید اجتماعی سوسیالیزم دمکراتیک بیانگر خواست به تحقق رساندن ایده های آزادی، برابری و احساس مسئولیت و همکاری مشترک می باشد.

این ایده ها میراث سنتهای فرهنگی گذشته اند که بر پایه ی تجربه های نوین شکل داده شده و پیوسته بعنوان نیرویی در جهت تأمین و فراهم نمودن زندگی آزاد و برابری برای انسانها بکار گرفته شده اند. ایده های سوسیال دمکراسی در اعتقاد راسخ به استقلال و شخصیت تخطی ناپذیر انسانی و یکسانی ارزش همه ی انسانها ریشه دارد.

آزادی

سوسیال دمکراسی اینرا حق مسلم همه ی افراد میدانند که در مورد مسایل خویش بدون احساس فشار و مداخله از سوی دولتهای دیگر یا علایق اقتصادی خارج از کنترلشان خود تصمیم بگیرند. نیازهای متقابل همکاری بین ملتها را ضروری می سازد. در این راستا باید همه ی ملت ها دارای حقوق برابر باشند. تنها تشریح مساعی داوطلبانه بین ملل آزاد است که می تواند تهدیدهای جهانی علیه موجودیت بشری را از سر راه بردارد.

ساختار سوسیال دمکراسی بر اساس حقوق و آزادیهای مدنی شهروندان، یعنی حق رأی عمومی و برابر، آزادی اندیشه و عقیده، آزادی بیان و آزادی تشکیل بنا شده است. حقوقی که در مبارزه ای بی امان علیه جامعه نابرابر گذشته بدست آمده و همواره باید در برابر گروه های قدرتمندی که می کوشند حقوق مدنی شهروندان را بخاطر علائق خاص و معینی پایمال کنند، بدفاع برخاست. تضادهای اقتصادی و

همکاری و همیاری

سوسیال دمکراسی بمنظور همکاری صلح آمیز و ایجاد حسن نیت متقابل بین ملتها خواهان دادن امکانات ویژه از سوی کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر است. این حسن نیت همچنین در پذیرش واقعیت وابستگی آنان بهم نهفته است و سرانجام اینکه همکاری بین مردم دنیا خود عامل صلحی پایدار در جهان می باشد. جهانی که در آن شساری در دارایی و عده ای در دست تنگی و بی چیز می بسر می برند، جهانی که در آن کشورهای با گروه های مردمی توسط ملیتها یا مردمان دیگر زیر ظلم و اختناق قرار دارند، دنیائست در گیر در ظلمی مداوم. تا زمانیکه آزادی فردی در خطر باشد، آزادی همگانی نیز در خطر خواهد بود. بهمین جهت همکاری و پشتیبانی از یکدیگر نباید در چهارچوب کشوری محدود گردد بلکه باید تمامی آحاد مردم را دربر گیرد.

انسانها بمنوان اعضای جامعه بخاطر رفاه خویش هم که شده نیازمند یکدیگرند، در سایه ی همکاری و اشتراک مساعی است که آسایش مشترک و همگانی و در نهایت رفاه فردی حاصل می گردد نه در مبارزه میان انسانها. با آگاهی بر این پیوند دو جانبه و احترام متقابل است که هسته اصلی همکاری زاده می شود.

برای آتھائیکه در تلاش رهایی خویش از ستم هستند همیاری بشابھ پشتیبانی از مبارزه در جهت بدست آوردن عدالت بشمار می رود. برای همگان، صرفنظر از توان شخصی آنها، همیاری و همکاری یکی از پایه های احساس امنیت و یگانگی در زندگی اجتماعی بحساب می آید و این خود تنها زائیده اعتماد است نه جنگ و رقابت.

سوسیال دمکراسی خواستار تأثیر همیاری بر رشد جامعه و روابط میان انسانهاست و همیاری خود نیازمند کار فراوان در زندگی اجتماعی است، کاری درخور استعداد هر کس و امرار معاشی پاسخگوی نیاز همگانی. همیاری در واقع بمعنای درک شرایط همدیگر و میل به پرستاری و همدردی با یکدیگر است. آزادی، برابری و یگانگی هم زیربنای جامعه دمکراتیک را تشکیل می دهد. در همان حال جامعه دمکراتیک تنها ضامن تحقق آزادی، برابری و همیاری می باشد.

دمکراسی زیربنای جهانی سوسیال دمکراسی را تشکیل می دهد و ایدآلهای آن بایستی بر زندگی اجتماعی در تمامیت آن؛ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر بگذارد.

دنیائی در رویارویی با مشکلات و امکانات مشترک

در آستانه قرن بیست و یکم تمامی بشریت در یک سرنوشت مشترک بهم گره خورده اند، کشورها و مردمان این کره خاکی بخاطر پخاطر ادامه حیات و تکامل خود در ابعاد وسیعتر بیشتر از هر زمان دیگر در تاریخ بهم مرتبط شده اند.

مشکلات حاد و تعیین کننده ای که یک کشور با آن روبروست از حوزه تأثیرات سیاست کلی آن بسیار فراتر می رود. آینده جامعه سونده، امکانات زیستی و رشد آن بان دوری جستن از دنیای پیرامون آن بهیچوجه مقدور نخواهد بود. مسائل مشترک سرنوشت ساز بشریت بما نیز ارتباط دارد، بدین ترتیب هر لحظه مشکلات جدیدی پدیدار می گردد. صد سال پس از آنکه جنبش نوین کارگری آنزمان در اروپا شروع به رشد نمود، خواستهایش را مبنی بر یکسانی جامعه به معنای حقوق اساسی پرولتاریای صنعتی و نیز زهودن هراس در جامعه و نیل به پیشرفتهای اجتماعی - اقتصادی مطرح نمود.

وظایف کنونی از بسیاری جهات مشکلتر و شرایط سیاسی کلی با گذشته متفاوت است. در بخشی از دنیایی که ما را نیز دربرمی گیرد نه تنها دگرگونی های اروپای شرقی سبب بوجود آمدن امکانات و شرایط نوین شده بلکه مشکلات موجود سیاسی، اقتصادی و نژادی را بیشتر آشکار ساخته است.

قرن بیستم همراه با صنعتی شدن پیشرفتهای چشمگیری را دربر داشته، اما در عین حال قرن خشونت و میلیتاریزم نیز بوده است. جنگ سبب ویرانی همه ی قاره ها شده، میلیونها کشته بجای گذاشته و گاهی نیز همه ی مردم را مجبور به ترک خانه و کاشانه خویش کرده است.

با اینحال بشریت باز هم در حال تسلیخ خود برای جنگ است، امکانات مالی که دنیای ثروتمند صرف مسابقه تسلیحاتی خود می کند اغلب اوقات بیشتر از مبالغی است که صرف کمک به پیشرفت مبارزه با فقر و عقب ماندگی گردیده است. با اختراع سلاح هسته ای انسان بوسيله ای دست یافت که توسط آن میتواند در وهله ی اول خود و سپس تاریخ و تمدن خود را نابود سازد. این تهدید است که نه تنها متوجه کشورها نیست که دارای سلاح هسته ای هستند و برای بکاربردن آن تصمیم می گیرند و سرانجام امنیت خود را در بکار بردن آن می یابند، بلکه شامل همه ی کشورها و انسانها می شود. هیچکس از عواقب جنگ هسته ای در امان نخواهد ماند. اگر چه انبار کردن سلاح های هسته ای بمقدار چشمگیری کاهش یافته اما قابلیت تخریبی آنها و نیز دانش و تکنولوژی آن که رقابت تسلیحاتی دوباره ای را امکانپذیر می سازد، کماکان بقوت خود باقیست.

هیچ دفاعی علیه سلاح هسته ای وجود ندارد، هیچ ملتی به تنهایی قادر به حفظ امنیت و موجودیت خویش نیست، امنیت در عصر سلاح هسته ای امنیتی است

نوعی آزادی مردمی از یکسو و تشنجها و درگیرهای تازه از سوی دیگر گردیده است. همزمان، آینده پیمانهای نظامی اروپایی برزیر سوال برده شده است. تمامی این مسائل زمینه هایی تازه برای اروپایی با ثبات ایجاد کرده و موجب آغاز روند گسترده ی کاهش تسلیحاتی شده است.

ملل جهان در کل در شکل دادن به جامعه و پیشرفت آن دارای حقوق یکسان هستند. آنان ملزم به پذیرفتن این مسئله نیستند که کشور خاصی هر اندازه هم قدرتمند و از نظر نظامی نیرومند در تکامل سیاسی و اجتماعی جهان خود بنتهایی مؤثر باشد و در باره ی امنیت بین المللی اتخاذ تصمیم کند. ضرورت وجود یک نظم حقوقی بین المللی که از سوی کلیه دولتها رعایت و تحت نظارت یک نهاد بین المللی قرار گیرد، بیش از هر زمانی احساس می شود.

جمعیت جهان در حال افزایش است، در نیم قرن گذشته کوه زمین صاحب میلیاردها دهان دیگر که باید سیر شوند، شده است، این هموعان باید از یک زندگی بالرزش انسانی برخوردار گردند. اگر بخش های بزرگی از جمعیت زمین در حال فقر و عقب ماندگی ننگه داشته شوند، آشفتهگی در جهان افزایش خواهد یافت، بویژه اگر کشورهای جهان سوم ناگزیر به پذیرش زیاده های زیان بخش برای محیط زیست و تکنیک پر مصرف دنیای صنعتی گردند. دنیایی با رفاه و پیشرفت برای اقلیت و فقر و عقب ماندگی و محیط زیستی آلوده برای اکثریت نادرست است. دنیایی که در آن همه کشورها و مردمانشان با شرایط همگن به تجارت جهانی پیشرو کشانده شده و امکان رشد به آنها داده شود، گنجایش و امکانات فراوانی برای پیشرفت صلح و توسعه ای دمکراتیک دارد.

دولت ملی بمنابه یک ایده هرگز تا به این اندازه مفهوم عملی و گسترده نداشته است، با وجود این نیاز به همکاری این امر را ضروری میسازد که نیازهای دولت ملی بیشتر از گذشته تابع علایق دیگر قرار گیرد. تهدید سلاح هسته ای و بحران محیط زیست نمونه گویای این امر است، اما نیاز به همکاری در مسائل دیگر نیز بهمان اندازه ضروریست. پدیده هایی چون سرمایه، تقسیم کار، تکنولوژی و اطلاعات و رسانه های جمعی - به اجبار بازار - اکنون بین المللی شده اند. برغم این مسائل کشورها باید در جهت نابودی فقر همگانی و گسترش و رشد پیگیر اقتصادی - اجتماعی و توسعه بازرگانی بین کشورها و ناحیه ها با شرایط برابر بکوشند، همچنین مشکلات و بحرانهای اقتصادی را مهار و به دانش و توسعه تکنیکی کمک نمایند.

خودبینی ملی و ناحیه ای میتواند کوتاه مدت داشته باشد، اما این خطر را نیز دارد که بشریت را در کل فقیرتر کند. این مسائل برای دنیای ما نقش تعیین

مشترک بر اساس علایق متقابل و رسیدن به سطحی از همکاری که جایگزین تهدید، نگرانی و بدبینی شود و بتواند خطر جنگ هسته ای را برطرف نماید.

پاره ای تهدیدات غیرنظامی علیه امنیت و آسایش بیش از پیش آشکار شده اند. استفاده از منابع طبیعی و بکارگیری تکنولوژی مدرن سبب ایجاد زمینه رشد اقتصاد صنعتی، بنیه مالی و در نتیجه افزایش هزینه مالی و سطح زندگی مردم گردیده است. اما این پیشرفت به بهای استفاده بی رویه از محیط زیست و بهره برداری غیر اصولی از طبیعت حاصل گردیده و در پی آن مشکل محیط زیست بعنوان یک واقعیت جهانی و بسیار اساسی آشکار گشته است. نتایج آلودگیها و مسمومیت ها و بهره برداری های بیش از اندازه مرزهای کلتی را نمی شناسد، اینها در کل تهدیدی هستند که ریشه و اساس زندگی انسانها را مدفون می سازند.

می توان گفت زمین سیاره ای تهدید شده است اما نه تنها در اثر خطر جنگ هسته ای، آلودگی محیط زیست خود دشمنی است نامرئی که در خفا از ورای باریکه راه های آشنا و ناآشنا پیش می رود و در اماکن غیر قابل انتظار بسیار دورتر از سرچشمه اصلی آلودگی و استفاده بی رویه محیط ضربه ی خود را وارد می سازد. حتی اگر پاکسازی و پیشگیری از ویرانگری محیط زیست در محل و یا در هر کشوری جداگانه انجام گیرد نتایج نهایی و کلتی آن زمانی حاصل خواهد شد که ملتها اقدامات هماهنگی را در این زمینه بانجام رسانند.

سکون و عدم ادامه رشد تکنیکی و اقتصادی هیچ راه حل پسندیده ای را نشان نخواهد داد. مشکل محیط زیست سرانجام به طرح این پرسش منجر خواهد شد و آن شیوه زیست این دنیای کوچک ثروتمند است در دنیایی بزرگتر که کشورهای در حال توسعه با میلیاردها انسان بحق انتظار دارند که توسعه و مصرف و تولید آنها نیز به سطح بالایی برسد.

شمار کشورهای مستقل در جهان به ۱۶۰ رسیده است، در تاریخ جهان، استقلال ملی هرگز تا بدین حد نمای عملی نداشته است. این وضع دستاورد رشدی دراماتیک و پیچیده می باشد، سلطه فرمانروایی برچیده شده و مرزها تغییر یافته اند. ملتها بخواست خود یا بالاجبار در سرزمینهایی بزرگتر ادغام و در نتیجه با تنش های جدیدی بدور هم گرد آمده اند که در آن هویت ملی سرکوب شده است.

در عین حال قرن بیستم سده آزادی بوده است. استعمار سرنگون شده و در نتیجه یکی از دلایل اصلی درگیریها و نگرانیهای سیاست جهانی پس از جنگ جهانی از سر راه برداشته شده است. اما اکنون تشنج ها و علل دیگری برای درگیری ها سربرداشته اند.

فروپاشی دیکتاتوری کمونیستی، در شماری از کشورهای اروپای شرقی موجب

بازدهی کار خود محروم شوند. بدین ترتیب جامعه تحت تأثیر تضادهای میان مالک ها و تهیدستان و تقسیم نابرابر دارایی قرار گرفت. طبقه ی سرمایه دار قدرت مند رودرروی طبقه در حال رشد کارگر مزدبگیر قرار گرفت. بهمین جهت دورانی از مبارزه ی آگاهانه ی طبقاتی در سطحی گسترده که تا آزمون نظیرش مشاهده نشده بود، آغاز گردید.

روابط تولیدی شرایط مادی را در کل جامعه تعیین می کرد. سرمایه داران خواستار همکاری بودند، اما تصمیم در مورد تولید که بر پایه ی سودجویی اداره می گردید تنها از سوی چند تن، آنهم بدلیل مالکیت آنان بر ابزار تولید، گرفته می شد. تضاد موجود تضادی بود میان قدرت سرمایه داری در جهت گسترش نیروهای مولد نیرومند از یکسو و عدم علاقه آنها به هدایت این نیروها و استفاده از آنان بخاطر انسانها از سوی دیگر.

کاپیتالیسم همیشه برای بدست آوردن سود کوشش کرده و هنوز هم می کند. کسی در میدان رقابت و قدرت پیروز می شد که می توانست از راه ایجاد انحصارات خود را از ورشکستگی برهاند. چنین فردی در مقایسه با فردیکه در بازی شکست می خورد بخش وسیعی از منابع جامعه را بخود اختصاص میداد. سرمایه داری تلاش می کرد که این اصل را مانند چارچوبی در جهت رشد تمامی جامعه و روابط میان انسانها و ارزیابی آنان معیار قرار دهد.

از ویژگیهای زیانمند دیگر سرمایه داری سوء استفاده از انسانها، مواد اولیه و انرژی بود. ادامه این روند سرمایه داری سبب آلودگی بیشتر محیط زیست گردید، کارگران ناگزیر می شدند در محیطی زیانبخش برای سلامتی خود بکار بهر داند. صنعتی شدن سریع و بازدهی سود آن عامل اصلی آسیبهای فزاینده و تا به امروز پابرجای محیط زیست گردید. منافع سرمایه داری ایجاب می کرد که کارگران را استثمار مادی کند. پیامد این امر برای کارگران گرسنگی، محرومیت، نبود مسکن، محیط غیر بهداشتی، بیماری و فقر اجتماعی بود.

بهره کشی از کودکان و روابط ناسالم اجتماعی سبب فروپاشی بافت خانواده های طبقه کارگر گردید. در نتیجه سرمایه داری ضربه سنگینی به حساسترین بخش جامعه وارد آورد. زنان طبقه کارگر از ستمی مضاعف رنج می بردند. از یک سو بسان نیروی کار ارزان و از سوی دیگر بدلیل زن بودنشان مورد ستم قرار می گرفتند.

طبقه کارگر از نظر اقتصادی و درمانده و بخشی از آن حتی از نظر فرهنگی نیز بسوی بی چیزی رانده شد و در نتیجه پرولتاریا شکل گرفت. پدیده کار نیز مفهوم خود را از دست داد، کارگر به عامل تولیدی ناتوان تبدیل گردید و

کننده ای دارد و بیانگر این امر است که باید از حق هر انسانی برای زندگی همره با آزادی و شایستگی و بدور از تهدید و خطر و زیستن با دورنمایی از پیشرفت و تعالی مادی و معنوی برای همگان دفاع نمود.

با توجه به این اهداف ضروریست بخش اعظمی از هزینه های جهانی که به مصرف اهداف نظامی میرسد از راه کاهش بین المللی تسلیحاتی به اهداف صلح آمیز و نوسازی بدل گردد. بر این اساس سوسیال دمکراسی موند در همکاری با سایر کشورها خواستار تقویت نظام حقوق بین المللی و ممنوعیت گسترش تسلیحاتی است. همچنین در این راستا خواستار آنست که جهان سوم به پرهیز و کاهش نظامی دست بزند، امکانات اقتصادی، تکنیکی و دانش و فن را سازماندهی نماید و بدین ترتیب تهدیدهای علیه محیط زیست را برطرف نموده و سرانجام به یک همکاری بین المللی گسترده برای همگان دست یابد. نیروهای مردمی باید برای صلح، عدالت و استفاده پسندیده از منابع برای خواستهایشان نزد صاحبان قدرت پاسخی بیابند. هدف سوسیال دمکراسی آفرینش جهانپست باز و بازتاب کننده ی سخاوت ستمدنی، همکاری، اعتماد و پشتیبانی متقابل.

گذار از جامعه ی طبقاتی به کشور مرفه مدتها سوند کشور عقب مانده ای در کنار اروپا بود. بیشتر مردم آن تهیدست بودند و از راه کشاورزی زندگی خود را می گذرانند. کشاورزی کار اصلی مردم بود و این امر باعث رشد کارگر کشاورزی شد. بسیاری از روستائیان تنگدست بر اثر بیماریهای مهلک و با گرسنگی جان سپردند و بسیاری دیگر نیز بویژه در ایام هرج و مرج و بعلت نبود فرآورده های کشاورزی راه مهاجرت در پیش گرفتند. در واقع جامعه سوند پیش از صنعتی شدن نیز از یک طبقه اجتماعی خاص تشکیل یافته بود. صنعتی شدن جامعه موجب دگرگونی پایه ای و عمیق شرایط زیست انسانها و شخصیت آنها در جامعه گردید.

کارگران روستایی به بخش صنعت جذب شدند و شهرها و مناطق متراکم گسترش یافتند. جامعه سرمایه داری در حال رشد از نیروهای تولید که دانش و تکنیک در اختیارش قرار میداد برای تولید بیشتر بهره می جست. تولید در سطح کلان موجب رکود صنایع دستی شد. منابع انرژی جدید مورد استفاده قرار گرفت و حجم داد و ستد چند برابر شد.

سازمان جدید صنعتی تخصص و تقسیم کار را بدنبال داشت. سیستم تولید سرمایه داری همچنین سبب گردید که آنهاثیکه کار می کردند از حق بهره گیری از

بسیوی جامعه ای بهتر

پس از آنکه اقبال وسیع مردم به دستاوردهای رشد جامعه دست یافتند تصویب قوانین در رابطه با مسائل مهم بر اساس خواستههای آنان شکل گرفت، برابری و امنیت فزونی یافت و اکثریت شهروندان از آزادی بیشتر برخوردار شدند. بخش عمده‌ی دستاوردهای تولیدی از محدوده‌ی پرنسپهای تقسیم سرمایه داری خارج و به شیوه‌ی عادلانه تری بر اساس نیاز تقسیم گردید و حق شهروند بسرور جایگزین حق سرمایه گردید. تهدیتی و بیکاری عمومی از بین رفت و گروه‌های زیادی از مزدبگیران اقدام به تشکیل اتحادیه‌های صنفی نیرومند نمودند. همچنین حقوق بگیران با مبارزات خود به سطحی از استاندارد اقتصادی رسیده‌اند که در تاریخ و نه در بخش بزرگی از دنیای خارج ما سابقه داشته است.

سیاستی واقع‌بینانه برای اشتغال کامل سبب ایجاد کار و در نتیجه درآمد خصوصی برای گروه‌های بزرگی از جامعه، بیش از همه زنان، شده که سابقاً در خارج از محدوده بازار کار قرار داشتند. حقوق بگیران در رابطه با شرایط محیط کار حق شرکت در تصمیم‌گیری را بدست آورده‌اند. کوششهای نخستین برای محدود ساختن رویدادهای زیانبار محیط کار اقدامی بوده است در جهت محدود کردن عوامل زیان بخش محیط خارج از کار. رفم‌های اجتماعی امنیت اقتصادی خانواده‌های صاحب فرزند، بیکاران، بیماران و سالمندان را فراهم نموده است.

یکی از اصول مهم پایه‌گذاری سیستم تأمین اجتماعی دربرگرفتن همه‌ی افراد جامعه بود که توانست اقبال وسیعی از گروه‌های مردم را زیر پوشش خود قرار دهد. طرفداری و پشتیبانی از رفم‌های اجتماعی، بوسیله‌ی بخشی از درآمد، پوشش استاندارد سیستم بیمه‌های اجتماعی بیشتر تقویت شده است.

مسئولیت امور کودکیاری، آموزش، فرهنگ، خدمات درمانی و بهداشتی، مراقبت از سالمندان و بسیاری امور دیگر که برای زندگی شهروندان اهمیت دارند، بر عهده دولت و کموناست. این امکانات و تسهیلات بعنوان حقوق حقه شهروندان بطور یکسان و بر حسب نیاز بین همگان تقسیم شده است. اینها درواقع از کنترل افراد و شرکت‌های منحصرأ سودجو خارج و زیر نظر دولت و شوراهای استانی و کمونها، یعنی توسط بخش عمومی اداره می‌شوند. بدینگونه برابری و امنیت بهتری برقرار شده و از نظر مالی نیز شیوه‌ی عادلانه تری تأمین و برقرار می‌شود.

بخش عمومی نقش مهمی در بسیج بخش وسیعی از گروه‌های مردم پیرامون حقوق اساسی هم میهنان ما داشته است. گسترش بخش عمومی همچنین از نظر اصولی

نسبت به کار خویش و بازدهی آن احساس بیگانگی نمود. همین دلیل روابط اجتماعی نیز چه در محیط کار و چه در خارج از آن دچار بحران گشت و روابط سیاسی میان کلیه ملل هم از تأثیر آن مصون نماند.

سرمایه داری مرز نمی شناخت، دولتهای تشنه‌ی قدرت با کاربرد سیاست امپریالیستی راه گسترش سرمایه گذاری ملی را هموار نمودند. شرکت‌های بزرگ عصر جدید وطن نمی شناختند و در هر کجا که بازار سودرسانی وجود داشت مستقر می شدند. دوره‌ای از تولیدی رو به افزایش به بحرانی ویرانگر بدل شد که خود موجب تشدید نیازها و محرومیت‌های توده‌ی مردم گردید. سرمایه داری سیستم طبقاتی گذشته را با جامعه جدیدتری جایگزین نمود که در آن اکثریت مردم از آزادی، برابری و امنیت بی بهره بودند. کارگران علیه سیستم سرمایه داری و در جهت بهبود شرایط زندگی و حقوق شهروندی و رسیدن به نظم اجتماعی سوسیالیستی به مبارزه برخاستند. این نظام اجتماعی می‌بایست دمکراتیک و بی طبقه باشد.

در کشور ما کلیساهای آزاد و جنبش جلوگیری از مصرف مشروبات الکلی با تهدیدات اجتماعی خود و سنتهای دمکراتیکشان در آموزش عملی جنبش‌های مردمی جنبش کارگری رو به گسترش را بنا نهادند. اما طبقه کارگر که اکنون در حال سازماندهی خود بوده اهداف درازمدت تری داشت. از جمله این اهداف ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر سوسیالیزم بود. طبقه کارگر بشابه کارگر مزدبگیر در سندیکاها و چون مصرف‌کننده در اتحادیه‌های تعاونی و بسان شهروند در حزب سوسیال دمکرات خود را سازمان داد.

سازمانها کارگرانرا همانند قدرتی در جامعه بهم پیوند دادند. در اثر فعالیت جنبش‌های کارگری و پیدایش پاره‌ای دیگر از جنبش‌های مردمی و در نتیجه همکاری توأم آنها کم‌جامعه‌ای نوین در درون جامعه‌ی پیشین زاده شد. این پیشرفت دسترنج مبارزات سختی بود. برغم مقاومت سرسختانه‌ی قدرتمندان سیاسی و اقتصادی، جنبش کارگری حقوق صنفی خود را بدست آورد. با مقاومتی بهمان نسبت پیگیرانه جنبش کارگری با همیاری بخش لیبرال بورژوازی به حق رای برابر برای مردان و سرانجام برای زنان دست یافت. این عوامل موجب نفوذ روزافزون سوسیال دمکراسی در کمونها (فرمانداری - شهرستانها) و شوراهای استانی و پارلمان گردید و بدین ترتیب پارلمانتاریسم پایه گذاری شد. به کمک تصویب قوانینی، روند دمکراسی جوانب دیگری را نیز دربرگرفت، همچنین جنبش کارگری به شیوه‌ی ناشناخته شده‌ای توانست از راه سهم کردن انسانها در سازماندهی جامعه و روابط زیستی خود به حکومت مردم‌معنا و مفهوم بخشد.

زندگی، چه از نظر مادی و چه از نظر فرهنگی، محکوم هستند. شمار کمتری که بیرون از دایره رفاه قرار می‌گیرند، اغلب با پشت کردن به سیستم سیاسی واکنش نشان می‌دهند. از وظایف مبرم سوسیال دموکراسی که ویژگی‌های آن برای، دموکراسی و یگانگی می‌باشد، آنست که اختلافات طبقاتی باقیمانده و تازه را مرتفع نموده و بدانوسیله گروه‌های زیر فشار را برای کنش فعال و افراد توانمند را برای تقسیم عادلانه‌ی دارایی سازماندهی کند.

طبقه کارگر به معنای ویژه‌ی کلمه از نظر کمیت کاهش یافته است، گروه‌های شغلی جدیدی در بخش خدمات خصوصی و نیز در شرکت‌هایی با دانش پیشرفته و مدرن و در بخش عمومی در حال رشد است. این گروه‌های شغلی به سبب شرایط حقوق بگیرگی شان علائق مشترکی با کارگران صنعتی دارند، اما شرایط کار و امکانات تأثیر گذاری بر کارفرمایان از گروه شغلی تا گروه شغلی دیگر متفاوت است.

تکنیک نوین و تکنولوژی نوین اطلاعاتی سبب پدید آوردن ترکیب تازه‌ای در دنیای صنعت شده و ناچار موجب تحمیل اشکال جدید عدم تمرکز گردیده و در نتیجه سازمان و شرایط کار را برای گروه‌های شاغل تحت تأثیر قرار داده است. پیامد این روند اینست که همگونی بافت طبقاتی کاهش خواهد یافت. تفاوت‌های جدید در دانش و امکانات تأثیر گذاری پیوسته تهدیدبست در جهت پدیدار شدن شکل‌های تازه‌ای از اختلافات طبقاتی، جنبش سیاسی کارگری؛ سندیکاهای صنعتی باید بازدارنده‌ی رشد این اختلاف شوند و به شیوه‌ای فعال در جهت پدیدار نگه داشتن برابری مبارزه نمایند.

واقعیت اینست که تنها بخشی از اکثریت مردم شاغل هستند. این گروه‌های در حال رشد گذشته از اینکه تعلق به طبقه کارگر ندارند تعلق خاطری نیز به سرمایه داری و شرکت‌های خصوصی ندارند، اما برای رفاه و آسایش خویش ناچار به همیاری و انجام کارهای جمعی هستند. زنان و مردان بظاهر از حقوق برابر برخوردارند اما در عمل نه در محیط کار و نه در جامعه و نه در نگهداری از کودکان از چنین مساواتی برخوردار نیستند. در عین حال ورود تعداد بیشماری از زنان به بازار کار پیشرفتگی بزرگ بشمار می‌آید. کوشش در جهت برابری باید با شدت هر چه تمامتر ادامه یابد. این ضرورت در آمیزشی از گرایش‌های زنان و مردان به انواع بازار کار مشاهده میشود. بخش بزرگی از زنان نیمه وقت کار می‌کنند و میان وظایف شغلی مردان از یکسو و وظایف زنان در خانه از سوی دیگر نابرابری مشاهده می‌شود. تأمین اجتماعی و مراقبت برغم پیشرفتهایی دارای کاستی‌های بیشماری است. بالانس سیاست منطقه

دربگیرنده‌ی این نکته مهم یعنی زیر پوشش قرار دادن روستاها و در نتیجه افزایش حوزه کارکرد دموکراسی است. رشد فزاینده‌ی شرکت‌های تعاونی، برای نمونه در بخش‌های بازرگانی و مسکن، نمایانگر این واقعیت است که امر تولید و توزیع را می‌توان بشکلی مثبت و بدون سودجویی خصوصی سازماندهی نمود. از طریق تعاونیهای مصرف و تولید که زیر نظر سازمانهای مردمی، دولتی و کمونی قرار دارند مالکیت جمعی زیر کنترل نهادهای دموکراتیک افزایش یافته است.

فعالیت‌های جدید تعاونی سبب پیشرفت شرکت‌های کوچکتر و محلی شده است و نیز سرمایه گذاری جدید در چارچوب کارهای دولت و کمونها در بانکهای پس انداز، در بنیادهای بازنشستگی که توسط طرفین بازار کار، یعنی سندیکاهای کارگران و کارفرمایان، ایجاد شده و همچنین در بنیادهای حقوق بگیران روبافزایش بوده است.

تصویب قوانین مالیاتی و بستن قراردادهای سندیکایی محدودیتهای شدیدی برای سرمایه داران خصوصی ایجاد کرده و از قدرت آنها کاسته است. برغم مقاومت شدید مدافعان سرمایه، جنبش کارگری از راه مبارزه‌ی سندیکایی و سیاسی سیماي جامعه را تغییر داده است. پیشرفت‌ها و همگونی بدست آمده در جامعه سوئد نمایانند. ارزشهای نوین زندگی پدید آمده که بر پایه‌ی آنها همکاری و همبستگی می‌تواند گسترش یابد و نظام اجتماعی پایداری بنیان نهاده شود. جامعه سوئد برغم وجود کاستی‌ها و کمبودهایش اکنون به جامعه‌ای دلپسند و قابل زیست بدل شده است.

مبارزه و وظایف آینده ما در برابر کسایتیکه درصدد بدست آوردن امتیازهای تازه‌ای هستند و یا کسایتی که می‌خواهند رشد و تکامل را به عقب برگردانند باید از پیشرفت‌های بدست آمده دفاع و پاسداری نمود. همانند گذشته، اکنون نیز باید از دموکراسی سیاسی در برابر جریانهای افراطی محافظت کرد و با سازماندهی شهروندان و شرکت دادن آنان در کارها و پذیرش مسئولیت شکوفایی دموکراسی سیاسی را پاسداری و تقویت کرد.

تشکل و سازماندهی همچون پشتوانه‌ی اهداف جامعه و حزب (خانه‌ای خوب برای همه) بمعنای پایان کار تغییر و تحول در این جامعه نیست، مرزها و چارچوب رفهم‌های دموکراتیک باید گسترش یابد. اگر چه اختلاف طبقاتی مانند گذشته عمیق نیست، اما در هر صورت افراد زیادی از آغاز کودکی به تحمل شرایط بدتر

گرفته است. همزمان کوششهای فراوانی در جهت جبران اشتباهات گذشته بعمل آمده، اما با وجود این همیشه مشکلات تازه ای پدید آمده اند. دریا، زمین، هوا، گیاهان و حیوانات در معرض تهدید و مسمومیت قرار گرفته اند، که در واقع تهدیدبسیست برای انسانها و شرایط زیستی آنها. بازگشت به شرایطی که برای طبیعت تحمل پذیر باشد مستلزم کوششهای بسیار در چند دهه ای آینده در سطح ملی و در مقیاس بین المللی خواهد بود.

علائق تجاری یکجانبه سبب استثمار انسانها شده و این خود مانع پیشرفت آنان بسوی آزادی و حسن همکاری می گردد. امکانات در جهت برآوردن نیازهای فرهنگی بطور چشمگیری بهبود یافته اما این امکانات با پیشرفتهای مادی همراه نبوده است. سیاست فرهنگی، سیاست رسانه های جمعی و سیاست آموزشی بدلیل بالا و به دلیل همکاریهای انسانی و اقتصادی ماورای مرزها و رشد فزاینده ای فرهنگ تجاری بین المللی در برابر هماوردجویی های تازه ای قرار می گیرد. همه اینها بمعنای مبارزه ای سترگ پیش روی جنبش کارگری قرار گرفته است. شرایط برای کارهای سیاسی تغییر می یابند، فاکتورهای بیشمار نو و پیچیده باید همخوانی داشته باشند و بدینجهت امکان پیشگیریها در باره ی ثبات جامعه و رشد اجتماعی آن تضعیف می گردد.

دنیای رسانه های گروهی با استفاده از ماهواره ها و ایستگاه های رادیوی محلی بسوی بین المللی شدن و نیز انقلابی تکنیکی گام بر میدارد. عرضه نه تنها افزایش می یابد بلکه دگرگونی بیشتری می یابد. جامعه ی دانشمندان سبب بزرگ سوال کشیدن نهادهای قدرتمندار می شود و انسانها با نیروی دانش خویش می خواهند سودمند واقع شوند و خود تصمیم بگیرند. ناآرامی و تحمل نکردن نمایندگان سیاسی بر گزیده ی مردم نیز به دلیل عدم رشد سریع در محدوده هایی که دربرگیرنده ی خواستهای بالا هستند، افزایش می یابد.

مشارکت شهروندان در مسائل سیاسی فردی روپافزایش و تا اندازه ای مثبت است. مهم اینست که این گونه مشارکت مردم تنها به کنجکاوی و کنش مستقیم آنان در مسائل محدود ختم نگردد. دموکراسی سیاسی باید بر اساس دیدی گسترده و همه جانبه از جامعه بنا گردد. عوامل بالا موجب می گردد که جامعه بیشتر پلورالیستی و همزمان بیشتر غیر متمرکز شود. در همان راستا گرایش های دیگری در جامعه وارد عمل می شود. شهرنشینی، منطقه ای نمودن امور و عدم تمرکز بنا به شرایط مکانی سبب پدید آوردن تجربه و ارزشیابی های گوناگون می گردد. همچون نتیجه ای از فرهنگ رسانه های گروهی تجاری، آمیزش فرهنگی در ارتباط با سبب گوناگون بروز می کند. مهاجران و پناهندگان با تجربیات و سابقه ی گوناگون

ای همواره در معرض تهدید قرار می گیرند. مشکلات بازار کار برای آن گروه هایی که خود از جهات دیگر عقب افتاده اند، بیشتر محسوس است.

گروه بزرگی از زنان بر اثر کار توانفرسا در صنایع تولیدی و بهمان نسبت کارکنان بخش خدمات درماتی دچار چنان آسیب های جسمی ناشی از کار می گردند که سابق بر این مردان طبقه کارگر گرفتار آن می شدند. سازمان دادن کار تاکنون در سطح وسیعی بر پایه ی اصول سلسله مراتب صورت گرفته است. بسیاری از کارها مفاهیم اصلی خود را از دست داده و بسیاری از کارکنان در محیط کار احساس گوشه گیری می کنند.

اضطراب و محیط نامناسب کار برای سلامتی بسیاری از مردم تهدیدی همیشگی بشمار می رود. ایجاد شرکتهای بر اساس دانش نوین فرصتهای طلایی به کارکنان میدهد که در باره کیفیت و شرایط کاری خود تصمیم بگیرند، که خود نکته ایست مثبت. اما از سوی دیگر این پدیده موجب ایجاد شکاف بین گروه های حقوق بگیر می گردد که باید با شدت هر چه تمامتر با این مشکلات مبارزه شود.

برغم رشد بسوی یک کشور مرفه بسیاری از آثار و نشانه های بارز سرمایه داری کماکان بقوت خود باقیست که بشکل تقسیم نابرابر دارایی و درآمدها و تمرکز قدرت اقتصادی نمایان است. تصمیم هایی که بر روند پیشرفت کشور و شرایط زندگی افراد جامعه تأثیر میگذارد توسط شمار اندک و بر بر پایه ی اصول سودجویانه سرمایه داری گرفته می شود. اشکال تازه ی سرمایه داری سبب ایجاد نوعی دادوستد و در نتیجه سود کلانی برای گروه اندکی و بحساب شمار زیادی از افراد شده است بدون آنکه کلای جدیدی تولید و یا ارزشهای اجتماعی دیگری بوجود آید.

بین المللی شدن سریع اقتصاد جنبش کارگری را در سوئد همانند کشورهای دیگر با مشکلات تازه ای روبرو می کند. شرکتهای بزرگ بین المللی پیشرفت تکنیک را در مقیاس بزرگ زیر کنترل خود دارند و از این راه بر حرکت جهانی سرمایه تأثیر می گذارند. جهانی شدن سرمایه کار سازمانهای صنفی را برای پاسداری از خواستهای مزدگیران مشکل می سازد و همچنین امکانات دولت، بانک مرکزی و پارلمان را برای تحقق بخشیدن اهداف ملی که در نظامی دموکراتیک تصویب گردیده محدود می سازد.

رشد سریع تکنیک و استفاده ی فزاینده از منابع طبیعی سبب تخلیه سریعتر منابع طبیعی و فرسایش شدید محیط طبیعی گشته است. آلودگی زودرس محیط همچون مساله ای منطقه ای و بهداشتی و نیز مساله ی محیط کار جلب توجه نموده و کوششهای جامعه در راستای محدود کردن و خنثی نمودن این آمیزش ها صورت

جرگه سالاری (الیگارشی) کاپیتالیستی و کمونیستی بیشتر مردم کره ی زمین در جوامعی زندگی می کنند که نیروهای تولید آنها هنوز آزاد نشده یا رشد نیافته اند. بیشتر آنان از نظام اقتصاد ناعادلانه جهانی، از خفقان خودی یا خارجی، از تهیدستی و یا عقب افتادگی رنج می برند.

کاپیتالیسم امروز سیستم اقتصادی چیره بر جهان است. در پاره ای از کشورهای عقب افتاده کاپیتالیسم سبب رشد اقتصادی شده است. اگر چه این رشد غالباً به بهای استثمار بیرحمانه انسانها و استفاده ی بی رویه ی منابع طبیعی صورت گرفته و تضادهای بزرگ اقتصادی و اجتماعی را سبب گشته است. در کشورهای پیشرفته صنعتی سیستم کاپیتالیستی بکلی حاکم است. کشورهای ثروتمند همزمان با تولیدی که پایه گذاری کرده اند، از محیط و منابع طبیعی آنچنان بی رویه استفاده کرده اند که در تاریخ جهان بی مانند است. افزایش سریع تولید در دنیای کاپیتالیستی به بهای از گرده خوار شدن گروه های بزرگی از مردم از بازار کار انجامیده است. گروه های بزرگی از جوانان هرگز به بازار کار وارد نخواهند شد. کاپیتالیسم افسار گسیخته در پیشگیری از پیدایش ناعدالتی های بیشتر،

بهدرفتن منابع، بیکاری و بحرانهای اقتصادی ناتوان است. جرگه سالاری یا الیگارشی نشانه ی بارز کاپیتالیسم در اشکال گوناگون آنست. جرگه سالاری خواستار واگذاری قدرت بی اندازه در تمامی جوانب زندگی اجتماعی به شماری اندکی از سرمایه داران است که بخش عمده ی سرمایه را در اختیار دارند. در کشورهای که سوسیال دمکراسی و نیروهای سیاسی دیگر در سیاست گذاری آنها بیشتر و درازمدت تر تأثیر داشته اند شکوفایی اقتصاد بازار، دمکراسی و رفاه اجتماعی بسیار موفقیت آمیز بوده است. توان سرمایه در چنین کشورهایی توسط حاکمیت مردمی که ریشه در دمکراسی سیاسی دارد، محدود گشته است. اما در این کشورها جریانهای نولیبرال نیز وجود دارند. که هدفشان بازسازی سلطه جویی کاپیتالیسم می باشد.

بین المللی شدن سریع سرمایه موجب می گردد که اتحادیه های صنفی در سطح ملی بدانند نیروی رقیب کارایی کافی نداشته باشند و واقعیت بخشیدن به خواسته های اصلاح طلبانه در چارچوب دولت های ملی با پایه های مردمی مشکلاتر شود. کاپیتالیسم مدرن برای گسترش و دفاع از حاکمیت خود به شیوه ای تعرض گرانه می گوشد بخشهای مهمی از بخش عمومی را تصاحب و محدود سازد و نیز خواستار آنست که این فعالیت های جمعی بازنایی از برآوردها، سازگار کردن با بازار کار واصل سوددهی هر چه بیشتر باشد که در مورد تولید کار و بخش خدماتی بطور کلی صادق است.

فرهنگی و زبان خود نیز عاملی در جهت رشد پلورالیزم خواهند شد. بنابراین رأی دهندگان فعالیت کرده و رأی دادن بر اساس پیشینه ی طبقاتی صورت نمی گیرند، اما رأی دادن بر مبنای نظر و ایده نولوژی فزونی می یابد. نسل جوان کمتر سنت گرا است. همه ی اینها گرچه با مشکلاتی همراه است، اما امکاناتی را نیز به همراه دارد.

افراد کمتری خود را در ارتباط با جنبش کارگری و بر اساس وابستگی طبقاتی و تجربیات اجتماعی و تأثیرات جانی شناسایی می کنند. اما بیشتر مردم را - بشرط آنکه جنبش کارگری قادر به فرموله کردن مشکلات جدید جامعه و امیدهای آن باشد - می توان برای ارزشهایی چون آزادی، برابری و پشتیبانی جذب نمود.

سوسیالیسم دموکراتیک هر گونه دگرگونی را در راستای گفت و شنود بازتر، پلورالیسم سیاسی و اقتصادی و شرکت گسترده‌ی توده‌های مردم در فرایند تصمیم‌گیری جامعه یا آغوش باز می‌پذیرد و هر گونه خشونت و خفقان را بسان ابزار برای جلوگیری از رشد بسوی آزادی و دموکراسی محکوم می‌نماید. در بسیاری از کشورها، بیش از همه در شرق و اروپای مرکزی که سابقاً با سیستم کمونیستی اداره می‌شدند، انحصار قدرت حزب کمونیست از هم پاشیده شده است. روند دموکراتیزه کردن پیش می‌رود و در بسیاری موارد سیستم چند حزبی جایگزین سلطه تک حزبی شده است. هدف اینست که اقتصادهای دستوری استوار بر پایه دیوانسالاری مرکزی به اقتصاد بازار آزاد مبدل گردند. تعیین اینکه این روند چگونه ادامه خواهد یافت بستگی به این دارد که با چه سرعتی میتوان بنیادهای مستحکم دموکراتیک را که بتوانند نخبگان در حال رشد قدرت اقتصاد نوین را تعادل بخشد، بنا نهاد. در غیر اینصورت بیم آن میرود که انحصارات پیشین اقتصاد دولتی به کاپیتالیسم ابتدایی و خام بدون چتر حفاظتی اجتماعی برای بیشتر مردم تبدیل شوند.

اوج گرفتن تضادهای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به شکست دموکراسی و پیدایش دیکتاتوری نظامی یا ناسیونالیستی - باصطلاح حکومت مردان قدرتمند در رژیمهای کمونیستی جدید - بیانجامد. انتقاد اصولی سوسیال دموکراسی از کمونیسم، آنجا که به حکمروایی غیر دموکراتیک شمار می‌آید مربوط می‌شود همچنان بقوت خود باقیست. از ویژگیهای بارز نظام اقتصادی حاکم بر جهان کاپیتالیسم، بسان کمونیسم، مسیر یکجانبه‌ی آن برای رشد اقتصادی و به هدر دادن منابع طبیعی است که در درازمدت نمی‌تواند تداوم داشته باشد. نیروهای زاینده بدون نظارت و کنترل مردمی موجب فشار بر منابع طبیعی و محیط زیست می‌گردد. کاپیتالیسم عدم توانایی خود را در جهت تأمین احتیاجات نسلهای آینده به طبیعت سالم و حفظ بالانس اکولوژیکی نمایان ساخته است. مداخلات اجتماعی تاکنون بروشنی نشان داده‌اند که برای تضمین رشدی بادوام ضروری هستند.

گرچه در کشورهای صنعتی با آلودگی محیط زیست مبارزه شده و تا حدودی نیز آنرا مهار کرده‌اند، اما کشورهای دیگری در معرض تهدید هستند. شرکتهای چند ملیتی فعالیتهای زیانمند برای محیط زیست را به کشورهای منتقل می‌کنند که شروط کمتر یا اصلاً هیچ شرطی برای حفظ محیط زیست قائل نیستند. در کشورهای کمونیستی سابق و کنونی آلودگی محیط زیست بسی فراتر رفته، استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و عدم دسترسی کافی به تکنولوژی پاکسازی آنچنان مسبب فرسایش طبیعت شده که میتوان پاره‌ای از مناطق را بعنوان مناطق

خواستههای سرمایه‌بمنوان عامل قدرت سیاسی هم در کشورهای گوناگون و هم در سطح بین‌المللی آشکارا برجسته می‌گردند. سرمایه‌داران به گروه‌های سیاسی کمک مالی می‌رسانند و خود برای تأثیرگذاری بر پدیده‌ی سیاست به مبارزات گسترده‌ای دست می‌زنند. گرایش‌های سرمایه‌داری برای برپایی و نگاهبانی روابط و کوششهایی که بوسیله آن بتوانند از دیکتاتورهای فعالانه پشتیبانی کنند شکی بخود راه نمی‌دهند. سرمایه‌داری همینکه منافع خود را در خطر دید آماده است از طریق اعمال قدرت امپریالیستی جنبشهای آزادیبخش ملی و حرکت‌های دموکراتیک را سرکوب کند. این واقعیت که کاپیتالیسم در بسیاری از این قبیل کشورها از لحاظ افزایش تولید و همچنین پیشبرد رشد اقتصادی موفق بوده است، از اهمیت طرح این انتقاد نمی‌کاهد.

کشورهای بسیاری در جهان سوم از قید استعمار و فئودالیسم‌رهایی یافته و برای رشد خویش راه حل‌های تازه‌ای یافته‌اند. در این کشورها مردم به امکاناتی دست یافته‌اند که در دوران رژیمهای پیشین غیر قابل تصور بود. در برخی از این کشورها فئودالیسم و کاپیتالیسم خصوصی جای خود را به نظامهای اجتماعی داده که در آن ابزار تولید از مالکیت خصوصی خارج شده است، اما چه بسا این شیوه در سیستم‌اداری متمرکز اقتصاد آمیخته شده و در نتیجه موجب رکود و ادامه‌ی بی‌چیزی شده است.

آنجا که اصول لنینیسم در مورد رهبری نخبگان راهنمای کار بوده انتظارات در مورد ایجاد حکومت مردم‌سالاری به نتیجه نرسیده است. گروه کوچکی قدرت را بدست گرفته و بدون نظارت یا کنترلی دموکراتیک بر بیشتر مردم حکومت می‌کنند. زندگی اقتصادی زیر انقیاد و چیرگی سانترالیزمی بوروکراتیک درآمده است. جامعه‌ی ممتاز و برتر پیشین جای خود را به سیستم دیگری داده است. در کشورهای که هنوز دارای رژیمهای کمونیستی هستند، اختلاف درآمد و موقعیت اجتماعی بین اقشار مردم بسیار عمیق است. به مردم در مقام شهروند و نه بسان کارگر تولیدی و یا همچون مصرف‌کننده اجازه داده نمیشود که عقاید و نظرات خود را با آزادی بیان کنند. نبود دموکراسی چون مانعی جلو خواستههای شهروندان را بسته و موجب می‌گردد که مردم نتوانند به آزادی نظرات خود را که بر رشد جامعه تأثیر می‌گذارد بیان کنند.

در کشورهایی که بر پایه‌ی اصول لنینیستی نخبگان اداره می‌شوند، برای معیارها و ارزشهای دموکراتیک جایی نیست و از این رو آزادی و برابری در نطفه خفه می‌شوند. تحت چنین شرایطی یگانگی انسانها بطور آزاد و برابر که هدف سوسیالیسم دموکراتیک است، ناممکن می‌باشد.

دوران شکل گیری عملی خود باید ارزشهای اخلاقی که از ایدئولوژی جنبش کارگری پرورش می یابد تغذیه و پیروی نماید، راه سوسیالیسم اصلاح طلبانه بسی دشوار و مستلزم زمان بسیار است، با وجود این از این سودمندی تعیین کننده برخوردار است که بازسازی جامعه با همکاری فعال شهروندان باجرا در می آید که نتیجه ی آن برپایی یک پایگاه ثابت توده ای است. بدینوسیله امنیتی نیز پدید می آید که موجب پایداری رفورها می گردد.

دگرگونی جامعه مستلزم وجود شهروندان فعال می باشد. شهروندان منتقل تهدیدی علیه دموکراسی بشمار می روند، این تهدید را می توان بر طرف نمود بشرطی که ما از نیروی افراد بنا به خواست آنان در فعالیت و مشارکت اجتماعی و تأثیر گذاری آنان بر وضعیت فردی و اجتماع و احتیاج به نیروغ و بناسازی و افزایش دانش فردی آنان بهره جوئیم. این نیروی انسانی بوسیله نیروهای ویرانگر تجاری یا نهادهای دیوانسالارانه ی جامعه آزاد نخواهد شد، بلکه خود انسان است که می تواند این نیروها را رها سازد. بدین سبب سازمان جامعه باید زمینه ی فعالیت مشترک را برای شهروندان فراهم نماید.

در جامعه ای که بر پایه ی سوسیالیسم دموکراتیک بنها شده کار و فعالیت هر فرد در پیشبرد جامعه سرمایه ای گرانها بشمار می رود. بنا بر این به جنبش های مردمی و آموزش همگانی پیر و جوان، دوره های آموزشی سطح بالا و ایجاد دگرگونی در آنها باید نقش اساسی داده شود. همچنین در بناسازی جامعه باید به ایده های تعاونی امکان داده شود که در فعالیتهای مشترک و بطور کلی در محیط کار ایضای نقش نمایند. سوسیالیسم دموکراتیک سرانجام بر پایه ی باور به اعتماد و خواست انسانها در بنای جامعه ایست که بازتاب کننده ی یگانگی و ارزش انسانی در سازگاری با آنچه که طبیعت در درازمدت می تواند تحمل کند می باشد.

به اراده ی همه ی مردم
تنها در جامعه ی دموکراتیک ایده های سوسیال دموکراسی یعنی آزادی، برابری و همباری واقعیت می یابند. زیربنای دموکراسی بر پایه ی حقوق برابر برای تمامی انسانها و تأثیر گذاری آنها بر جامعه ای که در آن زندگی می کنند بنا نهاده شده است تا بتوانند شرایط و ملزومات زندگی خویش را خود پایه گذاری نمایند. تنها در یک دموکراسی پیشرفته با امکانات برابر برای همه، انسانها حاکم بر سر نوشت خود هستند، آزادانه رشد می کنند و در یگانگی داوطلبانه با دیگران راه حل

فاجعه زده اکولوژیکی قلمداد نمود. از این راه سلامتی انسانها نیز بشیوه ای جدید مورد تهدید قرار گرفته است.

نه کاپیتالیسم و نه کمونیسم قادر به استقرار عدالت و آسایش برای انسانها نشده اند، در هر دو سیستم منابع و امکانات اقتصادی بطور نابرابر و بدون کنترل مردمی تقسیم می شوند. در مورد نخست، این خود بخشی از سیستم بشمار می رود و در مورد دوم، این امر در ستیز با اهداف روشن برابری روی داده و می دهد، اما در واقع پیامدبست از تمرکز قدرت و نبود دموکراسی، هر دو سیستم ناتوانایی خود را در استفاده ی بهینه از منابع زمین و تقسیم و بهره برداری از آنها به شیوه ای

عادلانه نشان داده اند.

سوسیالیزم دموکراتیک

در سرتاسر جهان نیروهای مردمی برای رهایی خویش به مبارزه برخاسته اند، هدف آنان نابودی حاکمیت اقلیت بر اکثریت و یا دگرگون ساختن آن از درون می باشد. مبارزه برای رهایی اشکال گوناگونی بخود گرفته است، در برخی نقاط خفقان موجب مبارزه مسلحانه گشته و در نقاط دیگر دگرگونی های صلح آمیز اجتماعی به نتایج بارزتری انجامیده است. سیمای نمایان این مبارزات رهایی بخش که در شرایط گوناگون تاریخی به پیش برده می شوند، کوششی است در جهت سازماندهی روابط اجتماعی از راه شرکت فعال توده های مردم و کنترل دموکراتیک آنان. این روند سوسیالیزم دموکراتیک است.

سوسیالیزم دموکراتیک خواستار بنیان نهادن یک نظام تولیدی آنچنانی است که از سوی قدرتمندان و علائق سودجویانه خصوصی هدایت نمی شود. پیشرفتهای بدست آمده از راه مبارزه ی جنبش کارگری اعتقاد سوسیال دموکراسی سوئد را در راه رسیدن به اهداف مستحکم تر نموده است. سوسیال دموکراسی بر این باور است که بازسازی صلح آمیز جامعه بر پایه سوسیالیزم دموکراتیک تنها راه رسیدن به رهایی انسانهاست.

این نظام اجتماعی بر اساس علاقه ها و کوششهای انسانی بنا شده است. رهایی را باید در جامعه ای بانجام برسانیم که بشدت به دنیای متأثر از تضادهای فراوان و خفقان و فرمانبرداری و گرایش های تند کاپیتالیستی وابسته است. این روند باید از کانال باورهای دموکراتیک و از راه گفتگوهای آزاد و رعایت احترام به نظرات دیگر که بایسته ی دموکراسی است، تحقق یابد. سیاست در پیش گرفته شده در تمام

مشکلات مشترک را می یابند.

حق برابر تأثیر گذاری باید همه ی بخش های زندگی اجتماعی را دربرگیرد و بدینجهت سوسیال دموکراسی در راه رسیدن به دموکراسی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کوشش می کند. دموکراسی سیاسی اصل و اساس است. اما دموکراسی برای اینکه تأثیر مطلوب داشته باشد ضروریست به چهارچوب مناسبات تولیدی نیز گسترش یابد. تا زمانی که انسانها حاکم بر زندگی خود نباشند و شرایط محیط کار از سوی گروه های حاکم و بدور از کنترل شهروندان تعیین شود، آنان در اداره ی امور خویش آزاد نخواهند بود. در چنین جامعه ای فرد از امکانات برابر برای رشد خود بهره مند نیست، بویژه اگر در زندگی شغلی خویش تنها مجری اوامر دیگران باشد و تأثیری در کیفیت و برنامه ریزیهای امور خود نداشته باشد.

هنگامیکه شرایط زندگی اقتصادی انسانها را بخاطر رفاه و تأمین منافع شخصی ناچار به کنار زدن یکدیگر نمایده آنها نمی توانند برای حل مشکلات یکسان اعضای جامعه در یک سطح با همدیگر کار کنند. برای اینکه دموکراسی در زندگی اجتماعی تحقق یابد بایستی این امر در همه ی بخش های گوناگون زندگی اجتماعی واقعیت پذیرد. نظام تولیدی روبهرفته نقش تعیین کننده ای در سیستم اجتماعی دارد.

اگر جامعه ی دموکراتیک در کل تحقق یابد، نظام تولیدی را نیز که نمی تواند از قوانین بازی دموکراسی مستثنا بماند، دربرمی گیرد. طبق برداشتهای پیشین از سوسیالیسم، دگرگونی در مراحل نظام تولیدی مستلزم تغییراتی در شکل ظاهری مالکیت بوده، به ترتیبی که حق مالکیت خصوصی بر ابزار تولید ملغا و یک سیستم اشتراک جمعی از طریق دولت و یا سازمانی متشکل از کارکنان زیر نظر دولت جایگزین آن می گردد. آغازگاه این برداشتها بی شک پیامد روابط رایج دوران نوپای جنبش کارگری بود. در آن مرحله قدرت سیاسی در دست سرمایه داران بود و مالک حق غیر قابل انکار داشت که املاکش را بنا به خواست خود و بدون در نظر گرفتن تأثیر آن بر روی جامعه و انسانها تصاحب نماید.

با حق رأی همگانی و بمرحله اجرا در آمدن دموکراسی سیاسی این شرایط نیز تغییر نمود. قدرت سیاسی با حقوق شهروندی و نه با مالکیت بر ابزار تولید گره خورد. بدین ترتیب قدرت سیاسی در جهت خواست اکثریت مردم و برای تحقق مطالبات مردمی و همچنین رشد و تحولات اجتماعی بکار گرفته شد. سازمانهای منفی نیرومند توانستند در محیط کار خواسته های کارکنان را در برابر خواستهای صاحبان سرمایه برآورده نمایند. رفاه اقتصادی فزاینده، آموزش بهتر و رونق تصویب قوانین سخت بر ابزار تولید شرکتها سبب تقویت موضع مصرف کنندگان

در برابر تولید کنندگان شد. همه ی اینها از راههای گوناگون موجب شدند حق واقعی تصمیم گیری بر روابط اجتماعی از سرمایه دارهای خصوصی به شهروندان، حقوق بگیران و مصرف کنندگان واگذار گردد.

بی شک حق مالکیت خصوصی پایدار ماند اما نظام تولیدی کاپیتالیستی خصوصی در آن حس بهره گیری فردی ماورای تمام علائق و از بسیاری جهات تضمین کننده بود تغییر یافت. همزمان تجربیات بخش های دیگر جهان نشان داد آنجا که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید به دولت واگذار شده است، این تحولات بهیچ وجه استقرار اهداف سوسیالیستی یعنی آزادی، برابری و همبازی را ضمانت نمی کند. مردم این کشورها به چنان آزادی دست نیافته اند که بتوانند در تصمیم گیریهای سیاسی شرکت کنند، حقوق بگیران این آزادی را ندارند که به خواستهای خود دست یابند همچنانکه کارکنان و مصرف کنندگان این امکان را ندارند که در عرضه و کیفیت کالاها و خدمات مداخله کنند. در سیستم تولیدی کمونیستی همانند نظام کاپیتالیستی خصوصی، انسانها از گروه های حاکم فرمانبرداری می کنند و در نتیجه نمی توانند سودمند واقع شوند. بدین ترتیب در جهت اهدافی استثمار می شوند که خود بانی آن نبوده اند.

شیوه ی سوسیال دموکراسی یعنی تغییر حق تصمیم گیری بر تولید و شیوه ی پخش دستاوردهای تولید، بجای مالکیت ظاهری بر ابزار تولید و اعمال حق تصمیم گیری از راه های گوناگون نه تنها شیوه ایست ساده تر بلکه بیش از هر چیز با هدف همخوانی دارد، یعنی استقرار نفوذ مردمی بر نظام تولیدی که شرط لازم تحقق جامعه ی دموکراتیک است، اما این بدین معنا نیست که همه ی مشکلات و تضادهای درون زندگی اقتصادی برطرف می گردد. ایجاد یک سیستم اقتصادی که در توازن پیوسته عمل نماید غیر ممکن است. اگر قرار باشد فضایی برای این توان که نیروی محرکه رشد اقتصاد است موجود باشد. باید اجازه داد نیروهای بسیاری که در محیط تولید عملاً موثرند همچنان کارا باقی بمانند. مهم اینست که این دگرگونی ها با خواستها و تمایلات مردمی هدایت شوند.

از بسیاری جهات اصل دموکراسی اقتصادی ایجاب می کند که به نهادهای اجتماعی امکان نفوذ بر محیط تولید و توزیع و بازدهی تولید داده شود، این امر در همسویی با مسائلی است که برای رفاه تمامی کشور حائز اهمیت اند. از جمله این مسائل عبارتند از: نگهداری محیط زیست، توزیع نسبی منطقه ای، فعالیت بازرگانی و ایجاد کار در سراسر کشور. همچنین خدمات اجتماعی که باید در دسترس فرد فرد مردم قرار گیرد که خود نیازمند تقسیم امکانات بوسیله ی بنیادهای اجتماعی است. از جهاتی دیگر بهمان نسبت ضروریست که مفهوم دموکراسی

می شوند. تا حدی که احتیاجات مبرم همگانی آنها ضروری می سازد سوسپال دمکراسی آماده است که منابع طبیعی، بنیاد اعتباری یا شرکتهای خصوصی را زیر مالکیت یا کنترل جامعه قرار دهد. بدینگونه جنبش کارگری مبارزه اش را برای دگرگونی های اساسی در جامعه سوئد تکمیل می کند، مبارزه ای که با دمکراتیزه کردن زندگی سیاسی آغاز و با برابری در جامعه ادامه یافته و اکنون بدرجاتی بالاتر در جهت دمکراتیزه کردن زندگی اقتصادی رسیده است.

در گفت و شنودهای سیاسی غالباً برنامه ریزی اقتصاد دولتی، البته بر راستای حاکمیت اجتماعی بر تولید، در نقطه مقابل اقتصاد بازار آزاد که به معنای نظارت بر روند تولید از طریق تعیین قیمتهاست، قرار داده می شود. در واقع این نوع مقایسه کردنها بر اساس نگرانی استوار است. نه یک برنامه ریزی ناب اقتصاد دولتی و نه یک برنامه ی ناب اقتصاد بازار آزاد به تنهایی قادر به تأمین همه ی خواستهایی که از بخش تولید انتظار می رود نیستند. این خواستها خود دارای مفاهیم متغیری هستند، از جمله اینها استفاده پسندیده و مناسب از منابع محیط زیست، کار برای همه، فراوانی در عرضه و پخش عادلانه، رشد اقتصادی و امنیت اجتماعی می باشد.

دست یافتن به اهداف مذکور تنها از راه آمیزش حاکمیت اجتماعی و برنامه ریزی اقتصاد بازار ممکن می گردد. مکانیسمهای بازار موجب ایجاد سیستم خبری سریع و انعطاف پذیری میان تولید کنندگان و مصرف کنندگان می شود. گرچه این مکانیسمها از بسیاری جهات دارای نقایصی هستند، برای نمونه بازار قادر به استفاده از آنگونه عوامل تولید که قابل خرید و فروش نیستند، نمی باشد. عوامل زیست محیطی چون آب و هوا و عدم توانایی بازار در تولید و مصرف آنها از جمله دلایل مهم مشکلات روز محیط زیست هستند. از اینرو بازار فاقد آتچنان کارایی است که بتواند از بازدهی فراورده که از نظر تجاری عرضه ی کافی ندارد، استفاده کند.

بازار با پیشبرد نیروی اقتصادی هماهنگی دارد و این بدان معناست که از یک سو گروه های تهیدست مصرف کننده نیازهایشان برآورده نخواهد شد و از سوی دیگر تولید کنندگان ثروتمند قادر خواهند بود که نبض حقوق بگیران و مصرف کنندگان را در دست داشته باشند. برای خنثی کردن تأثیرات انحرافی و ناعدالتی های اجتماعی که در نتیجه ی تضادهای یاد شده پدید می آیند و همچنین برای دست یابی به روشی جهت استفاده ی پسندیده از منابع طبیعی پایان پذیر که ضامن رفاه و پایبندی انسانها هستند، بایسته است اقداماتی بر پایه ی تصمیمات سیاسی گرفته شده در نهادهای مردمی انجام گیرد.

اقتصادی از طریق مداخله ی نهادهای اجتماعی واقعیت پذیرد. مزدبگیران در محل کار و چگونگی شرایط کاری خود حق اظهار نظر دارند و نظریات آنان باید مستقیماً از طریق سازمانهای وابسته به خود بر روند تولید بکار گرفته شود. مصرف کنندگان نیز می توانند در صورت تمایل بر عرضه ی کالا و خدمات نظارت نمایند و این نظارت نیز باید سرانجام در جریان مصرف و توسط خود مصرف کنندگان مستقیماً اعمال گردد.

سوسپال دمکراسی می خواهد که حقوق شهروندی برتر از حقوق مالکیت و نیز حق کار ماورای سرمایه و حق مصرف کننده برتر از حقوق تولید کننده قرار گیرد. بدین ترتیب سوسپال دمکراسی خواهان آنست که تمرکز قدرت اقتصاد را که در دست عده ای قرار دارد، با نظامی جایگزین کند که در آن هر انسان حق دارد بسان شهروند، مزدبگیر و مصرف کننده بر روند توزیع و تولید، شکل گیری دستگاه تولید و شرایط کار نظارت داشته باشد.

این کار از طریق تصویب قوانین و قانونمندیهای سیاسی - اقتصادی که چهارچوب فعالیتهاى شرکتهای را تضمین می کند و از راه های گوناگون بر مکانیسم های بازار در جهت مطابقت با خواستههای اجتماعی تأثیر می گذارد، عملی خواهد شد. همچنین این کار به طرق مختلف انباشت سرمایه جمعی و اقدامات گوناگون برای توزیع یکسان ثروت که بدان وسیله علائق مردمی نفوذ بیشتری بر سرمایه در جهت بهره وری خواهد داشت، عملی خواهد شد و این خود برای امکانات تأثیر گذاری شیوه عملکرد اقتصادی امری اساسیست. همچنین این اهداف با تضمین حق نظرخواهی مزدبگیران در محل کار و شرکتهای و نیز از راه تقویت مواضع مصرف کنندگان در مقابل تولید کنندگان عملی خواهد شد، بدین شکل مصرف کنندگان نیز در میان خود و از نظر امکانات بیشتر دارای حقوق برابر خواهند شد و می توانند در امر تولید ایفای نقش نمایند. براساس دید و برداشتهای دمکراتیک آنچه که اصل است حق گرفتن تصمیم بر تولید و پخش و بازدهی تولید است، نه حق مالکیت. این حق باید با اسلوب های گوناگون بکار برده شود و روشهای جدیدی برای خواست حاکمیت مردمی همگام با تحولات اقتصادی مورد آزمایش قرار گیرد. اینها نه تنها بازدارنده نیست، بلکه بایسته است که بروشهای گوناگون محدوده ی مالکیت را در دنیای بازرگانی تغییر و بر آن نظارت داشت.

تمرکز قدرت اقتصادی بدین معنا که بخشهای بزرگ اقتصادی زیر تسلط خواستههای شماری اندک قرار گیرد، باید برچیده شود. یکی از راه های آن سهم شدن جمعی از راه سرمایه گذاری جمعی است. اشکال دیگر مالکیت همچون تعاونها یا شرکتهایی که در مالکیت جمعی هستند موجب افزایش رقابت و فراوانی انواع

بهترین دلیل مسأله‌ی اقتصاد اجتماعی با اقتصاد آزاد برای سوسیال دموکراسی بکار گیری بهترین روش در هر وضعیت ویژه برای رسیدن به اهداف توزیع عادلانه رفاه، استفاده‌ی موثر از منابع اقتصادی کشور و کاربرد مناسب محیط و منابع طبیعی می باشد. این دو سیستم نه تنها تناقضی با هم ندارند بلکه مکمل یکدیگرند و هیچکدام به تنهایی نمی‌توانند اهدافی را که برای رشد جامعه و رفاه مردم پیش بینی شده است، تحقق بخشند.

در اقتصاد آزاد مکانیسم قیمت نیروی هدایت کننده است، اما پاره‌ای مسائل سودمند که دارای ارزش اساسی برای رفاه اجتماعی هستند نباید بر مکانیسم قیمت توزیع گردند. هیچ کس، اعم از زن یا مرد واجد شرایط، نباید بدلیل مالی از خدمات درمانی و یا آموزشی، محروم شود. بهمین دلیل روند خدمات درمانی، مراقبت و آموزش نباید بسته به تقاضای گروه‌های بزرگ مصرف کننده با قدرت خرید زیاد هماهنگ گردد و در نتیجه به حساب احتیاجات گروه‌های کوچکتر جامعه گذاشته شود. همه‌ی مردم با شرایط برابر باید از درمان، نگهداری و آموزش برخوردار باشند. بدین ترتیب تولیدی اینچنین جهت داده شده بر پایه‌ی نیاز همگان هرگز نمی‌تواند بر مبنای نیاز فردی تولید کننده به سود فعالیتهاش قرار گیرد. در چنین حالتی پاره‌ای از ضروریات و نیازهای کم ارزش هرگز برآورده نخواهند شد. این شیوه‌ی تولید خواهان فعالیت اجتماعی است که از راه پرداخت مالیاتها از سوی همه شهروندان و با همبستگی آنان تأمین می‌گردد.

یکی از وظایف مبرم سوسیال دموکراسی آنست که با اصول خدمات اجتماعی که در مجموع به مفهوم بخش عمومی تلقی می‌شود، موافق باشد. همزمان گسترش پیوسته‌ی اشکال گوناگون این گونه فعالیتها نیز از وظایف اساسی می‌باشد. بخش عمومی برای شهروندان حقوق و تعهداتی را دربردارد. این بخش باید بگونه‌ای بنا شود که نیازهای مردم را به درمیان آموزش و مراقبت تأمین نماید. شهروندان نیز باید در این رابطه خود را کاملاً سهم بدانند و در اجرای هر چه بهتر خدمات عرضه شده احساس مسئولیت کنند.

وسعت این بخش عمومی یا بهتر بگوییم وظایفی که شهروندان دلسوزانه در رابطه با هم انجام می‌دهند از سوی خود آنان و از طریق تصمیم گیرهای سیاسی مجامع برگزیده‌ی مردم که دربرگیرنده‌ی تمام کشور است، تعیین می‌گردد. بهمان ترتیب حقوقی که توسط بخش عمومی به شهروندان تعلق می‌گیرد با رأی عمومی صورت می‌گیرد تا رساندن خدمات یکسان به همه شهروندان تضمین گردد.

خدمات درمانی، نگهداری و آموزش در مقیاس کوچکتر یعنی در سطح کمونها و بخش‌ها نیز باید در چارچوب تصمیمات گرفته شده از سوی مرکز و توسط

نهادهای عمومی سیاسی برای شهروندان ناحیه‌ها و کمونها و برزن‌ها برسرحدی اجرا درآید. این فعالیت پیوسته باید با همکاری کارکنان و افرادیکه این خدمات شامل حالشان می‌گردد، سازمان داده شود. در محدوده‌ی فعالیتها این بخش عمومی باید فضایی برای راه‌حلهای تعاونی و غیر انتفاعی موجود باشد، برای نمونه اشکال گوناگون همکاری میان نهادهای خدمات اجتماعی از سوی و سازمانهای مردمی، اتحادیه‌های تعاونی یا موسسه‌های غیر انتفاعی از سوی دیگر بوجود آید.

رشد، رفاه، محیط زیست

کامیابی برای همه مستلزم اینستکه بازدهی تولید به شیوه‌ای عادلانه توزیع شود و همچنین این بازدهی تا آن اندازه زیاد باشد که بتوان آنرا تقسیم نمود. رفاه برای همه مشروط بر اینست که رشد اقتصادی و تولید به شکلی صورت گیرد که خلاف اهداف اساسی خود نباشد؛ به بیان دیگر یک زندگی سعادتمند با شرایط خوب برای همه‌ی انسانها.

در جامعه‌ی پیش صنعتی و پیش سرمایه داری نیروهای زاینده از پیشرفت چندانی برخوردار نبودند که بتوانند موجب سعادت همگان گردند. با آغاز صنعتی شدن جهان زمینه‌های تولید کلان موجب آنچنان رشد اقتصادی گردید که برای آسایش همگانی امکاناتی فراهم آورد. آسایش و رفاه انسانها منوط به پیشرفت‌های اقتصادی و تکنیکی است و آن عبارتست از امنیت گذران، بهداشت، امنیت زمان سالمندی، کار غیر طاقت فرسا و وجود وقت آزاد برای پرداختن به رشد و خواستههای خویش.

برای سوسیال دموکراسی که از ژرفای مبارزات انسانهای فعال برای زندگی بهتر برخاسته، طبیعی است که رابطه‌ی بین رشد اقتصادی و رفاه انسانی را مد نظر قرار داده و بهمین دلیل رشد را بعنوان یک خواست ارزیابی نماید. بهمان نسبت یکی از اهداف سوسیال دموکراسی طبیعتاً این است که اجازه ندهد این رشد و پیشرفت به

نحوی صورت پذیرد که تهدیدی برای رفاه انسانها باشد. نتایج بدست آمده از رشد و پیشرفت باید با توجه به تأثیرات آن بر اصول اخلاقی، محیط زیست و روابط اجتماعی در جامعه راهبری و کنترل شود. روشهای استفاده و فرسوده کردن منابع طبیعی از سوی انسانها سرانجام به تهدیدی علیه موجودیت انسان خواهد انجامید. تغییرات بزرگی که در طبیعت روی داده است، رنگ خطر جدی بشمار می‌آید؛ تنوع و زیبایی طبیعی در بسیاری نقاط از بین رفته

تقسیم عادلانه راه مراعات گردد.

قوانین وضع شده محیط زیست و هزینه های آن بر روند تولید و میزان آن تاثیر می گذارد. شهروندان الگوی مصرفی خود را بر این راستا و با توجه به مسئولیتشان بر امکانات خویش و انرژی مورد نیازشان بر می گزینند. پیشرفت اقتصادی نیز باید در جهت پدید آوردن منطقه بکار گرفته شود. بهمان ترتیب که خالی شدن شهروندان برخی از نقاط کشور سبب ایجاد فشار و نامناسب شدن شرایط زیستی مردم می گردد، بهمان نسبت افزایش جمعیت در برخی از نقاط نیز همان پدیده را بدنبال خواهد داشت. بهره کشی بیش از اندازه از پاره ای مناطق بدلیل اجتماعی و زیستی نتایج منفی به همراه خواهد داشت.

رشد اجتماعی اگر کنترل نشود، می تواند سبب ریسکهایی در جهت افزایش توزیع ناهمگون درآمد و ثروت گردد. دلیل بروز چنین مخاطراتی این است که از سویی پیشرفت اقتصادی می تواند سبب تورم گردد و از سوی دیگر بشکلی نابرابر بین بخش های مختلف اقتصادی و مناطق گوناگون تقسیم شود. تاثیرات توزیع نابرابر باید اصلاح گردد.

نیروهای بازار و سودجویی های خصوصی که تنها همسو با روابط نیروی اقتصادی حرکت می کنند، قادر نخواهند بود که خواستهای بالا را در رابطه با محیط تولیدی و رشد تأمین نمایند. تأمین اینها مستلزم گرفتن تصمیم سیاسی است که شرایط تولید را تعیین می نماید، همچنین تأثیر مزدگیران بر محیط کار و نقش فعال مصرف کنندگان می باشد.

توزیع

برابری و مساوات بدین معناست که همه ی آحاد مردم از امکانات برابر برای رشد برخوردار باشند و در زندگی خود و جامعه ای که بدان وابسته اند، نقش داشته باشند. برای تحقق یافتن این امر ضروریست اقداماتی در زمینه های گوناگون و در جهت تقسیم عادلانه حقوق و وظایف شهروندان انجام پذیرد و تضاد در استفاده از امکانات اقتصادی و اجتماعی از میان برداشته شود. در غیر اینصورت موجب خواهد شد عده ای از آزادی کمتری برای اداره ی زندگی خود در مقایسه با دیگران برخوردار شوند. شرایط زندگی مناسب یک انسان در محیط تولید و اجتماع شکل می گیرد، بهمین جهت باید همه ی انسانها از امکاناتی واقعی برخوردار باشند تا بر ساختار تولید و جامعه تأثیر بگذارند.

و یا در معرض خطری جدی قرار دارد و عوارض سوء استفاده از زمین، هوا و آب اکنون نمایان می گردد.

آلوده کردن محیط زیست در دهه های گذشته موجب گردیده از این پس مدت مدیدی با مشکلات و مسائل محیط زیست دست بگریبان شویم، علیرغم اینکه تاکنون در بسیاری موارد از ضایعات در جهت آلودگی بیشتر محیط زیست تا حد بی خطر بودن آن کاسته ایم.

تجربیات سیاست فعال زیست محیطی تاکنون نشاندهنده ی آنست که اوضاع رو به بهبودی خواهد رفت. اما مبارزه ای موفقیت آمیز برای جبران آسیب هایی که بر محیط زیست وارد شده است، مستلزم امکانات مالی کلان و همینطور فعالیت در راستای بسط و گسترش تکنیکی مدرن و سازگار با محیط زیست است. بدون رشد و پیشرفت اقتصادی ما قادر به حل مشکلات محیط زیست نخواهیم بود، اما این رشد باید واقعی باشد نه رشدی که به بهای سوء استفاده از منابع طبیعی پایان یافتنی و فرسایش محیط و سلامتی انسانها حاصل شود.

رشد تکنیکی و اقتصادی طی دهه های ۱۹۰۰ الگوهای تولیدی و مصرفی ایجاد نموده که دربردارنده ی خطراتی برای محیط زیست و سلامتی هستند. این الگوها باید شکسته شوند. در درازمدت مسأله ی محیط زیست از راه بازسازی تدریجی پس از رویداد حل شدنی نیست، بلکه اصولاً باید پیش از پدید آمدن مشکلات زیست محیطی از آنها جلوگیری نمود و این خود همانگونه که صنایع در تکنیک خود تحول ایجاد می کنند، مستلزم دگرگونی روش زندگی انسانهاست.

سیاست محیط زیست زمانی موفقیت آمیز خواهد بود که هر بخشی از جامعه در برابر ایجاد محیط زیست خوب و سالم و استفاده از منابع طبیعی احساس مسئولیت کند. راه حل های جدید را نباید در روابط اغلب فرساینده ی انسان و چهارچوبهای گذشته جستجو نمود. راه حل ها باید در مسیر آینده و با استفاده از تمامی دانشها و تجربیاتی که در نتیجه ی رشد تکنیکی و اقتصادی بدست آمده اند، جستجو شوند.

پیشرفت تکنیک باید در جهت اهداف تولیدی و شیوه های تولیدی مناسب با محیط و نیز سیستمهای حمل و نقل و توزیع کالای مناسب محیط باشد. شکل گیری کالا ها و روند های تولیدی بایستی بنحوی باشد که پاسخگوی خواستههای ما در رابطه با بهداشت و محیط باشند که خود بر شیوه ی استفاده مسئولانه از مواد خام و انرژی نیز تأثیر خواهد گذاشت. همچنین شیوه های تولیدی نباید برای امنیت و سلامتی کارکنان مخاطراتی دربر داشته باشد و نیز زمانیکه شرایط زیست محیطی تغییراتی را در الگوهای زیستی ایجاد کرد، باید منافع اساسی اجتماعی حفظ و خواست

برابری در توزیع و نقش فرد در جامعه و اقتصاد ناشی از دموکراسی سیاسی و اقتصادی است که در آن حق تصمیم گیری از سرمایه داران به شهروندان، مزدگیران و مصرف کنندگان واگذار می شود و سیستمی پدید می آید که در آن هیچکس قادر نخواهد بود با اتکاء به امکانات مادی خویش بر زندگی انسانهای دیگر فرمانروا گردد.

توزیع بازدهی تولید در پشرفت و شرایط زیستن انسانها بطور مجزا ارزش تعیین کننده ای دارد. امکانات مادی که چه بصورت فردی و چه بصورت در آمد سرمایه و چه بصورت دستیابی به خدمات در اختیار شخص قرار دارد برای رفاه و آسایش انسان حائز اهمیت است و این خود درجه و میزان آزادی انتخاب و دادوستد شخص را در مقیاسی وسیع تعیین می نماید.

بنابراین شرط اولیه برای امکان تعالی شخص بسان عضوی از جامعه رهایی از عدم تأمین مادی است. بهمین جهت سوسیال دموکراسی برای شیوه ی توزیع بازدهی تولید پاره ای شرایط قائل می شود. اصولاً بایستی برای کار باارزش برابر و عادلانه به کارکنان و مزدگیران که با نیروی کار خود بازدهی تولید را سبب می شوند، مزد برابر پرداخت شود. بهمین دلیل سوسیال دموکراسی از سیاست مزد منصفانه اتحادیه صنفی پشتیبانی می نماید. امکانات کافی برای امنیت مادی شهروندان در هنگام بیماری، نقض عضو، بیکاری و بگیری باید فراهم و تأمین گردد و بسموات آن حق استفاده از خدمات درمانی، آموزش و مراقبت در حد احتیاج و نه در حد امکانات مادی فراهم گردد.

بنموان پیش شرط باید جامعه از طریق پرداخت مالیات بردر آمد و ثروت بتواند امکانات را بنحوی تقسیم نماید که جوابگوی احتیاجات اجتماعی باشد. در این رابطه مالیات گذاری باید بر پایه توان پرداخت تعیین گردد، بدان معنا فردی که از امکانات مادی بیشتری برخوردار است مسلماً باید مبلغ بیشتری برای این مزایای همگانی پرداخت کند.

علائق مردمی باید در جهت افزایش دارایی ملی جلب و مداخله داده شود. پیامد این کار کنار گذاشتن بخشی از بازدهی تولید بمنظور پس انداز و سوددهی می باشد. مداخله دادن طیفهای گوناگون مردم که هم برای از میان برداشتن نابرابری ثروت و هم از بین بردن عدم توازن و مداخله در تولید ضروریست، مستلزم سرمایه گذاری در اشکال کنترل شده ی دموکراتیک است که بشیوه ای عادلانه در خدمت منافع همگان قرار گیرد.

پس انداز خصوصی از آنجا که هرگز نتوانسته پاسخگوی خواستهای مزبور باشد، باید به اشکال گوناگون با پس اندازها و سرمایه گذاریهای جمعی تکمیل و متعادل

گردد. امکانات خاص فرد برای اداره ی زندگی خویش به همان نسبتی که به منابع اقتصادی بستگی دارد، به منابع فرهنگی و اجتماعی نیز وابسته است. آموزش و آگاهی بهمان نسبت برای رشد فرد حائز اهمیت است که حق انتخاب آزاد در بازار کار و میدان برای شرکت در فعالیتهای سیاسی. بنابراین باید به ساختار سیستم آموزشی ارزشی فراتر داد، همه باید از حق آموزش ابتدایی و هم آموزش تکمیلی و آموزش بزرگسالان در جهت تغییرات و نیازهای بازار کار و اهداف شخصی برخوردار شوند، بهمان نسبت هم وجود یک محیط فرهنگی که به همه امکان خلاقیت های شخصی و دست یابی به فعالیتهای گوناگون در محیط فرهنگی را بدهد، حائز اهمیت است.

در جامعه ی مرفه نیز نشانه های نگران کننده ای از وضع گروه هایی از شهروندان که از بسیاری جهات از دستاوردهای رفاهی بهره مند نمی شوند، وجود دارد. در واقع این عده افرادی هستند که با آموزشی اغلب نارسا و انجام کارهایی با دستمزد ناچیز و در بسیاری موارد طاقت فرسا با امکانات بسیار جزئی برای ادامه بقای شخصی و حرفه ای دست بگیرینانند. شرایط نامساعد در بازار کار موجب ایجاد شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی ناهموارتر می گردد که خود منجر به پدید آمدن احساس بیگانگی و بی تفاوتی نسبت به کل جامعه می شود. مهار نکردن چنین روندی می تواند به ایجاد مرزهای جدید طبقاتی و تضادهای شدید اجتماعی بیانجامد. سیاست برای برابری باید این اختلاف طبقاتی مخاطره انگیز را مد نظر قرار دهد.

سوسیال دموکراسی در مسیر ایجاد محیط کار مطمئن و تضمین شده و نیز سازمانی از محیط کار که نظارت بر کار را ممکن می سازد، گام بر میدارد. بجز این بایسته است اقدامات ویژه ای در جهت بهبود بخشیدن شرایط زیست گروه های ناتوان انجام شود؛ سرمایه گذاری برای کارگران کم درآمد، آموزش کارکنان و بزرگسالان، بهبود مناطق مسکونی و آلوده، جسمی برای بهینه کردن شرایط زندگی روزمره و همچنین خدمات درمانی به افرادی که دچار آسیب ناشی از کار شده اند، نمونه هایی از این گونه اقدامات بشمار می روند.

کار
سوسیال دمکراسی خواستار اینست که کار برای هر فرد بر اساس خواست و استعداد و امکان فعالیت او ایجاد شود. اشتغال کامل در سرتاسر کشور هدف سوسیال دمکراسی است. تفاوت‌های منطقه‌ای که ناشی از قدرت بازار کار و دوری از مراکز بزرگ است، بایستی از میان برداشته شود. سوسیال دمکراسی عهده دار سیاست اقتصادی بر پایه‌ی اشتغال کامل و نیز سیاست بازار کاری که بموجب آن کار مفید جای کمک هزینه‌ی اجتماعی را بگیرد، می‌باشد. این سیاستی است که بجا نهادن اقلیتی بیکار را پشت سر خود نمی‌پذیرد.

در درجه‌ی نخست در محیط کار است که پدیده‌های آزادی، برابری و همیاری محتوای اصلی خود را می‌یابند. کار خوب شرایط زندگی پر محتواتر را در خارج از محیط کار فراهم می‌کند. بنابراین حتی آنهاییکه پس از بازنشستگی از کار کنار می‌روند تا از دستاورد کار خود بهره‌جویند باید تشویق گردند که در صورت تسلیل بکار خود ادامه دهند. هر فردی در محیط کار خویش باید بتواند رابطه‌ای اجتماعی برقرار نماید. بدینجهت کار باید آتینان سازماندهی شده باشد که هر کس احساس امنیت جسمی نموده و از بازدهی کار خود احساس رضایت و خوشنودی نماید.

ارزش و بیزر گذاشت کار هر انسانی باید مراعات شود. بهمین دلیل سوسیال دمکراسی می‌کوشد که رؤیای کار مفید را واقعیت بخشد، کار مفید به فرد امکان خواهد داد که با دیگران احساس همکاری نماید. کار مفید به ابتکارات فرد مجال داده و دگرگونی در کار را ممکن می‌سازد و نیز فرصتی است در راستای پیشرفت و بهینه‌سازی. کار مناسب برای انسان و محیط زیست بی‌زیان است، اما برای واقعیت بخشیدن به رؤیای کار خوب باید با بی‌عدالتیهای محیط کار مبارزه نمود و برای بازگرداندن علاقه به کار در افرادی که بر اثر شرایط محیط کار فرسوده و یا آسیب دیده‌اند، کوشش بسیار نمود.

ناعدالتیهای محیط کار همچنین بر زندگی انسانها در خارج از محیط کار نیز تاثیر می‌گذارد، اختلافات فاحشی در شرایط کار هنوز پابرجاست و شرایط تازه‌ای که برابری را تهدید می‌کند، پدیدار می‌شوند. بهمین لحاظ سوسیال دمکراسی می‌خواهد با پشتکاری تمام برای حقوق برابر برای کار باارزش برابر و شرایط کار بهتر بکوشد. سوسیال دمکراسی در مجموع در جستجوی راه‌های تازه‌ایست برای گسترش اختیارات کارکنان. ناعدالتیهای موجود در محیط کار ناشی از شرایط گوناگونی است؛ در یک نظام اقتصادی که در آن نیروهای تجاری برای تأمین کردن نیازهای مصرف کنندگان از نقش مهمی برخوردارند ناعدالتی وجود خواهد داشت.

این ناعدالتیها از روش کار کرد مکانیسمهای بازار کار سرچشمه می‌گیرند. اما حتی در بخش عمومی نیز ناسازگاریهایی وجود دارند که از روابط تولیدی و دشواری یگانه‌سازی مسئولیت اداره، نقش مصرف کننده و دمکراسی سیاسی با حق شاعلین و نقش آنان در کار خود سرچشمه می‌گیرد.

سوسیال دمکراسی می‌خواهد با گسترش دمکراسی در محیط کار و تضمین اختیارات مزدگیران در همه‌ی سطوح موسسه‌ی اقتصادی شرایط کاری را دگرگون سازد. پیامد این امر اینست که دمکراتیزاسیونی در نهادها بوجود می‌آید که سبب ازدیاد نفوذ کارکنان بر رشد دراز مدت این نهادها خواهد شد. با تصویب قانون و نیز از راه حق گفت و شنود و مخالفت با کارفرما به مزدگیران این امکان داده می‌شود که راه‌هایی برگزینند که بتوانند بر شرایط کاری تاثیر بیشتری داشته باشند.

تصمیم‌گیری فرد در مورد کار خود باید افزایش یابد، ادامه فرم شرایط کار بدرجه بالاتر شامل محیط کار می‌گردد. مسئولیت عمده محیط کار بر عهده کارفرماست، اما این وظیفه‌ایست مشترک برای همه؛ کارفرما، مراجع قانونی، سندیکاهای صنفی و فرد که همواره باید در بهینه کردن محیط کار بکوشند. هیچ کارفرمایی نباید از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند.

محیط کار نامناسب را نمی‌توان با پرداخت پول و مزایای دیگر جبران نموده تولید کالای زیانمند برای انسان باید پایان یابد. کارهای طاقت فرسا و خطرناک برای انسان باید به کارهای بهتری مبدل شوند و برای کاهش خطرات باید تکنیک نوین بکار گرفته شود. وجه مشترک ناعدالتیهای شرایط کار اینست که به مقیاس بیشتری به زنان آسیب می‌رسانند، زنان باید به اندازه‌ی مردان در مؤسسات اقتصادی و سندیکاهای صنفی نفوذ داشته باشند، تبلیغات جنسی در محل‌های کار باید متوقف گردد و زنان و مردان بایستی به موازات هم از وظایف کاری انگیزه دهنده و همراه با پیشرف برخوردار باشند. کار برای همه مهمترین ابزار برای واقعیت بخشیدن به اهدافی است که سوسیال دمکراسی خواهد آنست.

اشتغال همه‌ی مردم به کار امکانی بوجود آورد که در نتیجه‌ی آن شوند فقیر را دگرگون نمودیم. اکنون جامعه‌ای باز هم بهتر برای زندگی در آن بنا می‌کنیم. هیچ چیزی باندازه اشتغال کامل برای توزیع عادلانه رفاه کارا نیست. در راستای کاربرد سیاست اشتغال کامل پاره‌ای شرایط برای آفرینش برابری تاندازه‌ای از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند. کار برای بیشتر انسانها بمنزله‌ی مهمترین بخش اعتماد بنفس بشمار می‌رود.

عقب افتاده نباید با شیوه‌ی عادی و از راه مجازات و ممنوع کردن مبارزه نموده، بلکه جامعه باید فعالانه در جهت پیشبرد تنوع و کیفیت فرهنگ بکوشد. بدین ترتیب سیاست فرهنگی پدیده‌ای خواهد شد که در جهت دفاع از آزادی بیان و پیشبرد آن،

سوسیال دموکراسی متعهد است که میراث فرهنگی ما به نسل جدید منتقل کرده، اما سابقه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کل شرط جداگانه نیست برای برخورداری گروه‌ها و طبقات گوناگون جامعه از فرهنگ. از این رو یکی از هدفهای مهم سیاست فرهنگی فعالیت برای برابری فرهنگی بوسیله‌ی آموزشگاه و آموزش و پرورش مردم است. تنوع فرهنگی و زبان‌ی بمانند ثروتی در همکاری مردم با یکدیگر محسوب میشود. در دنیای بین‌المللی شده و گرفتار در چنگ رسانه‌های جمعی نگاهداشت زبان و شناسایی فرهنگی جزء وظایف مهم ملت‌های کوچک بشمار می‌آید. فرهنگی غنی و شکوفا انگیزه‌ای است برای تبادل فرهنگی و وسیع‌با کشورهای دیگر. در جهان را به روی خود گشودن از ضروریات حیاتی برای همه‌ی هنرمندان و بنیادهای فرهنگی سوئدی و همینطور مردم سوئد محسوب می‌گردد.

از اهداف دیگر سیاست فرهنگی، پشتیبانی از دادوستد تجربه‌ها و ایده‌های فرهنگی و مآورای زبان و مرزهای ملی است. در داخل مرزهای سوئد این گوناگونی و تبادل فرهنگی بوسیله‌ی مهاجران تقویت می‌شود. برای جامعه سوئد فرهنگ آنها سرمایه بشمار می‌رود.

آزادی برای همه‌ی مردم، صلح برای تمام دنیا خواست برقراری صلح و آزادی و پیشرفت و عدالت اجتماعی از وجوه مشترک همه‌ی انسانهاست. صلح و پیشرفت جهان مشروط به تعیین آزادی سیاسی ملتها و دفاع و انسانهاست. هدف سیاست خارجی سوئد تأمین امنیت آزادی کشور، دفاع و پشتیبانی از صلح و کمک به نظم جهانی با شاخص رفاه و آزادی و بزرگداشت تمام انسانها می‌باشد.

برای رسیدن به اهداف نامبرده سوئد باید سیاست عدم تمهد را که هدف از آن بی‌طرفی در جنگ است در پیش گیرد و به شیوه‌ای فعال برای پدید آوردن همکاری بین‌المللی سازنده و سودمند بکوشد. امپراتوریهایی استثمارگر از هم پاشیده شده و آنها تکیه در گذشته زیر فشار و ستم قرار داشتند، اکنون به آزادی سیاسی دست

فرهنگ در خدمت دگرگونی و رهایی سیاست فرهنگی سوسیال دموکراسی در راستای غنی ساختن و رهایی و تأمین نیاز به همبستگی و پدیده‌های عاطفی است. سوسیال دموکراسی می‌خواهد به همه این امکان‌ها را بدهد که تجربیات خود را غنی تر ساخته و دورنماهای خود را با استفاده از و شرکت در اشکال گوناگون جلوه‌های فرهنگی وسعت بخشد. اگر انسان به مدد ادبیات، تأثیر و هنر - بدون توجه به تعلق آنها به ادبیان یا پیشگامان فرهنگ خودی یا دیگران - به تفکر و اندیشیدن در باره‌ی زندگی خویش و هموعانش عادت داشته باشد، آسانتر می‌تواند پدیده‌های نو را جذب نماید. سوسیال دموکراسی تنوع و کیفیت فرهنگی را از ارزشهای مهم اجتماعی می‌داند.

سوسیالیزم دموکراتیک خلاقیت آزاد را که اصل پویای همه‌ی رکن‌های فرهنگی باشد، بسان یک بخش جداناپذیر در زندگی اجتماعی می‌بیند. سیاست فرهنگی یکی از مراحل کار تعمیق دموکراسی است. شیوه‌ی سنتی آموزش و پرورش، یعنی گفت و گو بسانند وسیله‌ای برای مشارکت در فضای فرهنگی و روابط اجتماعی روش دیگریست برای تمکیم رشد دموکراتیک جامعه.

سیاست فرهنگی سوسیال دموکراسی بر این اساس استوار است که برای انسانها امکانات مناسبی جهت خلاقیت فعال آزمونهای فرهنگی دیگر فراهم آورد. با همکاری بین هنرمندان حرفه‌ای و آماتورها بی‌شک حس خلاقیت و تحرک رشد خواهد کرد. این خود بدین معناست که سیاست فرهنگی دارای یک بعد منطقه‌ای می‌باشد. شبکه‌ی متشکل از بنیادها، سازمانها و گروه‌های آزاد موجود در سرتاسر سوئد باید تشویق و ترغیب گردند. شرایط و محیط فرهنگی سوئد بیانگر همکاری بین هنرمندان حرفه‌ای و سازمانهای آموزش و پرورش مردمی و فعالیتهای فرهنگی گروه‌های غیر حرفه‌ای و صدها هزار انسان است که به بازدید از برنامه‌ها و رویندهای فرهنگی رفته و به کیفیت کار فرهنگی در محیط خود توجه بسیار دارند.

احساس و درک یکسان فرهنگی سبب تقویت همبستگی می‌شود و سیاست یگانگی اجتماعی را ژرفتر می‌سازد. در حوزه‌ی فرهنگ و رسانه‌های همگانی آزادی بیان جایگاه ویژه‌ای دارد. در موارد افراطی؛ برای نمونه هنگام تبلیغات تبعیض نژادگرایانه، پورنوگرافی کودکان (سوء استفاده جنسی - فیلم‌های سکسی از کودکان) و خشونت بیش از اندازه، جامعه باید از راه مجازات و ممنوع ساختن یا داشتن و پخش آنها جلوگیری نماید. اما با فرهنگ تحمیلی، تجاری، جانبدار یا

یافته اند. اما در همه جا حاکمیت‌های مردمی جایگزین سالاری استعمار گران نشده بلکه در جاهایی که خفقان خارجی جایش را به فشار خودی داده، برای نمونه آنجا که دیکتاتوری‌های نظامی و رژیم‌های خودکام جایگزین خودکامی خارجی شده اند، مبارزه برای دموکراسی کماکان بقوت خود باقی است.

مبارزه برای آزادی ملی با هدف رهایی اجتماعی و اقتصادی همراه بوده است. کشورهای ثروتمند سرمایه داری و کمونیستی در تمام مدت پس از جنگ جهانی دوم در صدد چیرگی بر تمام دنیا بوده اند. اما هنگامیکه منافع این کشورها بدنیال تقاضای کشورهای دیگر برای بدست آوردن آزادی اقتصادی و عدالت اجتماعی با خطر روبرو شد، آنان بدفاع از منافع خود برخاستند. آنها از راه انتشار و بهره کشی از نیروی کار و منابع طبیعی کشورهای فقیر فعالیت‌ها را مسبب غارت و چپاول و آلودگی محیط زیست در جهان سوم شده اند.

بدین سبب سوسیال دموکراسی از مبارزات مردم برای آزادی دموکراتیک پشتیبانی و خواهان حق عدم وابستگی ملت‌های کوچک به ابر قدرتها می باشد. همکاری بین المللی که در جهان کنونی امری الزامی باید با توجه به وابستگی در حال افزایش بین المللی بر اساس رعایت حق تعیین سرنوشت همه ی ملت ها باشد.

همزمان منافع و علائق سرمایه داری خصوصی به یک عامل نیرومند عالم گیر و با نیرو و ابعاد متفاوت مبدل گشته است. این عامل قدرت بین المللی تهدیدی است علیه منافع کشورهای تکی که سیاست مستقلانه‌ای در پیش گیرند. در سطح بین المللی همکاری مستحکم میان دولت‌ها و سازمان‌های صنفی ضرورت دارد. مرزهای موجود بین ملت‌ها نتیجه ی شرایط تاریخی است از جمله جنگ‌های اشغال گرایانه، استعمار و توسعه طلبی قدرتهای بزرگ.

همه ی کشورهای از نظر ملی یکدست نیستند. در پاره‌ای موارد مرزها انسان‌های همزیان و همفرهنگ را از هم جدا می سازد و در موارد دیگر دو یا چند گروه از مردم در چهارچوب یک ملت با هم زندگی می کنند. در بسیاری کشورهای نیز در کنار ملت فرمانفرما اقلیت‌های زبانی دیگر نیز زندگی می کنند. تجربه ی تاریخی نشان میدهد که امکان زندگی در سایه ی صلح و همکاری در چهارچوب یک کشور با فرهنگ، زبان، نژاد و عقاید گوناگون وجود دارد.

همچنین امروزه مردمانی وجود دارند که از آزادی برخوردار نیستند، اما بحق خواستار آزادی سیاسی، تعیین سرنوشت و شناسایی زبانی و فرهنگ خود هستند. علاوه بر این مردمانی نیز هستند که به سبب زبان، فرهنگ، نژاد، عقاید یا دگراندیشی سیاسی زیر فشار و خفقان قرار دارند. اختلاف‌های شکل گرفته بر اساس این عوامل در واقع از علل اصلی درگیری‌های آینده بین مردم می باشد. این

گونه درگیری‌ها باید از راه صلح آمیز و روحی آکنده از احترام متقابل و همکاری حل شوند. هیچ کس حق سرکوب دیگری را ندارد و کسی نباید به سبب نژاد، عقیده یا تفکر سیاسی خویش مورد پیگرد قرار گیرد.

آرامش سیاسی و کاهش تسلیحات نظامی
صلح و پیشرفت جهان مستلزم آرامش سیاسی و کاهش تسلیحات نظامی است. عدم اعتماد ابرقدرتها و هم پیمانان نظامی آنها به همدیگر مذتها تعیین کننده ی وضعیت بین المللی بوده است. اما بدلائل نظامی، اقتصادی و سیاسی نفوذ تاکنون مسلط آنها کاهش یافته است. برغم اینها و با وجود جو سیاسی جدید که نمایانگر روابط بهتر سیاسی است، اثرات عدم اعتماد که بنوبه ی خود منجر به بسیج نظامی می گردد هنوز بقوت خود باقیست.

گفت و شنود برای کاهش یکجانبه و چند جانبه ی تسلیحات ادامه دارد. همزمان در مورد کاهش تسلیحات یکجانبه و کاهش بودجه‌های نظامی در هر دو پیمان نظامی پیشنهادهایی عرضه می گردد. امروز بینش و دیدگاهی در حال نضج است که بر مبنای آن امنیتی مشترک که دربرگیرنده ی آرامش، همکاری و قرارداد کاهش تسلیحات دو جانبه باشد بایستی جایگزین عدم اعتماد و تهدید نظامی گردد. این وظیفه ی اصلی سوسیال دموکراسی است که در سازمان ملل، انترناسیونال سوسیالیست، کمیسیون‌های مستقل و از راه جلب افکار عمومی در سطح بین المللی از چنین روندی پشتیبانی نماید.

افزایش تجهیزات نظامی و گسترش سلاح‌های نامود کنند نوین تنها تهدیدی علیه بشریت نیست، بلکه موجب می گردد که بخش عظیمی از دانشنیهای تکنیکی جهان و امکانات و منابع انسانی و اقتصادی صرف مرگ و نابودی گردد. بدین جهت سوسیال دموکراسی کوششهایی را که در رابطه با کاهش تسلیحات در سطح بین المللی و تبدیل فراورده‌های نظامی به غیر نظامی انجام می شود بعنوان بخش مهمی در مبارزه جهت ایجاد زندگی بهتر برای مردمان کرده زمین می داند.

عدالت اجتماعی و اقتصادی
صلح و پیشرفت جهان مستلزم عدالت اجتماعی و اقتصادیست. ساکنان بخش‌های

صنعتی شده ی جهان از موفقیتی برخوردارند که آنها را به اقلیتی ممتاز در جهان مبدل نموده است. این موفقیت با تهیدستی همگانی و گرسنگی که در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد در ناسازگاری آشکار است. بعلمت بافت بیشتر کشورهای استعمار شده هنوز هم بخشی از کشورهای مستعمره ی پیشین که اکنون مستقل هستند، به فرمانروایان پیشین خود وابستگی دارند. بدینجهت آنها هنوز هم ناگزیرند که به پیشرفت و پیروزی بیشتر کشورهای توانمند کمک کنند.

در بخشهایی از جهان سوم پیشرفتهایی بدست آمده؛ سطح استاندارد زندگی مردم بالا رفته و آزادی واقعی کسب شده است. همزمان در کشورهای بی چیز دیگر شماری از صاحبان سرمایه داراثر شده و اکثریت قریب باتفاق مردم بیشتر استثمار می شوند. این ناعدالتها در درون و بین کشورها موجب رویدادن بسیاری از اختلافات بین المللی روز گردیده است.

بر اساس اهداف همکاری سوسیالیزم دمکراتیک سوسیال دمکراسی خواستار سهم شدن در ایجاد برابری و یکسانی اجتماعی و اقتصادی میان ملتهاست. در این رابطه مهم است که با افزایش کمکهای انسانی از سوی کشورهای پیشرفته به درگیرهای منطقه ای پایان داده شود و ویرانی های جنگ را بازسازی نموده از بار سنگین بدنی های کشورهای بی چیز کاسته شود، موانع بازرگانی از سر راه کشورهای تهیدست برداشته شود طوری که از امکانات خوبی برای فروش کالاها ی خود به کشورهای ثروتمند بشیوه ای پسندیده برخوردار شوند و از محیط زیست مراقبت بعمل آید.

کمکهای انسانی شوند به کشورهای فقیر باید در خدمت رشد امکانات آنان، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، استقلال اقتصادی و سیاسی، رشد دمکراتیک جامعه و محیط زیستی بهتر باشد. کمکهای انسانی همچنین باید حمایتی از کوششهای خود این کشورها در جهت رشد خویش باشد و تهیدستان را از خدمات درمانی و آموزش و خدمات اجتماعی بهره مند سازد.

سیاست زیست محیطی برای رشدی پابرجا صلح و پیشرفت جهان خواهان در پیش گرفتن سیاست زیست محیطی در جهت رشدی پایدار است. جهان ثروتمند به سبب سوء استفاده از منابع زمین و استفاده از تکنیک زیانمند برای محیط زیست زندگی همه را تهدید می کند. در صورتیکه این تکنیک خطرناک به جهان سوم انتقال یابد و آنها با آهنگی تند در آلودگی محیط زیست شرکت جویند، کره ی زمین با فاجعه ی وحشتناک محیط زیست روبرو

خواهد شد. وجود شرایط سخت برای حفظ محیط در کشورهای صنعتی سبب شده سرمایه گذاران بی وجدان آشکارا فعالیتها و فرآورده های خطرناک برای محیط زیست خود را به کشورهای جهان سوم انتقال دهند که این خود یک نوع استعمار زیست محیطی است و باید از گسترش آن جلوگیری نمود.

بسیاری از کشورهای جهان سوم اکنون با مشکلات بیشماری روبرو هستند. بریدن بیرویه درختان و بته های جنگلی و کشت پست سر هم زمین سبب فرسایش آن و در نتیجه گسترش کویر شده است. جهان سوم از بحران استفاده از هیزم بعنوان سوخت رنج می برد. استفاده ی نادرست از هیزم سبب نارسائیهایی در بالاس طبیعت می گردد.

جنگلهای انبوه کشورهای جهان سوم باید با بکارگیری روشهایی که رابطه ی بین خواستههای بحق کشورهای فقیر از یکسو و نیاز به پایداری سیستم بالاس طبیعت در سطح محلی و جهانی از سوی دیگر را رعایت می کند، حفظ شود. همچنین باید دادوستد درختان جنگلهای انبوه استوایی پایان یابد، در غیر اینصورت در درازمدت آب و هوای جهان تغییر خواهد کرد.

رشدی پایدار و درازمدت که توانایی ایجاد یگانگی میان پیشرفت جوامع انسانی با آنچه که برای انسان و طبیعت قابل تحمل است داشته باشد، مستلزم همکاری بین المللی است. ساکنان کره ی زمین بایستی از تأثیرات درازمدت تغییرات در سیستم اکولوژی جهان آگاهی یابند. تغییرات جوی ناشی از فرئون، اکسید کربن و دیگر مواد آلاینده بایستی بیشتر مد نظر قرار گیرند و بهمین جهت پژوهش های بین المللی در این مورد باید بیشتر مورد حمایت قرار گیرند تا به ادامه ی کنش های بین المللی دانش کافی بدهند. همچنین بایسته است همکاری فعال بین المللی بوسیله ی ارگان زیست محیطی سازمان ملل گسترش یابد.

کمک های عمرانی شوند باید در جهت پیشبرد تکنیک هایی مناسب با محیط زیست و کم مصرف از نظر منابع طبیعی بکار گرفته شود. شوند بایستی چنین پیشرفت تکنیکی و نیز انتقال تکنیک های جدید مناسب با محیط زیست و امکانات ضروری به سایر نقاط جهان را فعالان تشویق کند. در برنامه ی کمک های عمرانی باید آموزش و کار عملی زیست محیطی گنجانده شود. کالاها و فرایندهایی که بدلیل زیست محیطی در شوند ممنوع هستند نباید بخارج صادر شوند.

کامل، دگرگونی‌های بنیادین بافت جامعه با معیارهای اجتماعی قابل پذیرش و همبند و بهسازی محیط کار و خارج آن تجربیات خود را در اختیار دیگران قرار دهد.

سوسیال دمکراسی آماده‌ی آزمودن روشهای دیگری برای افزایش نقش مزدبگیران در رابطه با سرمایه‌گذاری، صنعت و بازرگانی در خارج از مرزهای کشور است. همچنین در صدد است که برای شرکتهای خارجی که از کشورهای دیگر برای فعالیت به کشورهای ما آمده و سرمایه‌گذاری می‌کنند، شرایط روشن‌تری قائل شود.

آنچه حائز اهمیت است اینست که اتحاد اروپای غربی رو به دنیای خارج گشوده شود و این گشودگی سایر بخشهای جهان پیشرفته سرمایه‌داری و کشورهای اروپای شرقی که در واقع بخشی از کل اروپا بشمار می‌روند و حتا کشورهای جهان سوم را نیز دربرگیرد.

کشورهای جهان سوم هم به سبب پشتیبانی از آنها و هم بعلمت اینکه بخش بزرگی از امکانات رشد اقتصادی جهان را دارند، حائز اهمیتند. سوسیال دمکراسی سولند با نیروهایی که برای سوسیالیزم دمکراتیک در جهان مبارزه می‌کنند، احساس همبستگی می‌نماید و خواستار آنست که همگام با این نیروها در مبارزه برای صلح، آزادی ملی، همکاری بین‌المللی، برابری اجتماعی اقتصادی و رشد درازمدت و فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی انسان در رابطه با آنچه که برای طبیعت تحمل پذیر است، همکاری نماید. حمایت سوسیالیزم دمکراتیک شامل همه‌ی مردمان می‌گردد و هدف آن آزادی همه و برقراری صلح برای تمامی جهان است.

همکاری بین‌المللی

صلح و پیشرفت جهان بسته به همکاری بین‌المللی است. سرنوشت ملتها و مردم چون حلقه‌های زنجیر بهم پیوسته است. مسائل و مشکلاتی را که برای آینده بشریت تعیین‌کننده هستند، نمی‌توان به تنهایی از راه اقداماتی در سطح ملی حل کرد. تأمین امنیت صلح جهانی، کاربرد پسندیده از منابع زمین، جلوگیری از آلودگی محیط زیست و زودن فقر و گرسنگی از وظایفی هستند که فقط از راه همکاری بین‌المللی امکانپذیر خواهند شد. این مسائل به توجه و گرامیداشت برابر و دید کلی مشترک در مورد مسائل حیاتی جهان نیاز دارند. همکاری بین‌المللی بایستی بمنظور دستیابی به یک سیستم اقتصاد نوین و عادلانه‌ی جهانی صورت پذیرد و به بیشتر کشورهای در حال توسعه نقش فعالتری در مجمع جهانی دهد. این همکاری بایستی در راستای برآورده اهداف این کشورها و پرستاری از انسان و محیط زیست و نیز استفاده‌ی مسئولانه از منابع همگانی باشد.

سوسیال دمکراسی خواستار آنست که سازمان ملل بسان وسیله‌ای کارا در جهت همکاری مسئولانه‌ی بین‌المللی گسترش یابد. هدف دست‌یابی به نظام حقوقی بین‌المللی و نیز یک برنامه‌ی اقتصادی مسئولانه است که بتواند منابع زمین را عادلانه توزیع و فاصله‌های موجود بین مردم را کاهش دهد. یکی از این راه‌ها تبدیل فرآورده‌های نظامی به غیر نظامی است. تنها از این راه حقوق اساسی همه‌ی انسانها تضمین و صلح جهانی تأمین می‌گردد. رشد اقتصادی سولند و شرایط زندگی مردم آن وابسته به اقتصاد جهانی و داوود ستدهای بازرگانی بین‌المللی است. بدینجهت سوسیال دمکراسی می‌خواهد از یک همکاری پیشرفته چند جانبه بین‌المللی پشتیبانی کند.

اقتصاد و بازرگانی کشورهای اروپای غربی در دهه‌های اخیر رشدی فزاینده داشته است. این خود از یک سونتیجه‌ی قراردادهای سیاسی و از سوی دیگر پیامد روند بسیار موفقیت‌آمیز یگانگی نیروهای اقتصادی کاپیتالیستی است. سولند در چهارچوب و امکاناتی که سیاست بی‌طرفی آن اجازه می‌دهد علاقه‌ی شدیدی به شرکت در این رشد پایدار و همکاری اقتصادی و فرهنگی اروپای غربی دارد.

همکاری با اروپای شرقی باید آنچنان گسترش یابد که شرکت شهروندان را در پرورشه‌های دمکراتیک تصمیم‌گیری تقویت نموده و جنبش‌های اتحادیه‌های صنفی و امکانات بهتری برای تأثیرگذاری بر شرکتهای چند ملیتی داشته باشد و تنوع‌زیانی و فرهنگی باید تقویت گردد. همچنین ضروریست به همکاری اقتصادی بعدی اجتماعی و زیست محیطی بخشید.

سولند می‌تواند در کار این تشکل و یگانگی همکاری نموده و در مورد اشتغال

۴. برابری

سوسیال دموکراسی برابری زنان و مردان را بسان ارزش و احترام برابر برای همگان دانسته و به آن اقمیت می بخشد. زنان و مردان باید حقوق، وظایف، مسئولیتها و امکانات برابر داشته باشند. این بدین مناسبت که هر کدام شاغل به کاری باشند و بتوانند با حقوقی که دریافت می کنند گذران زندگی خود را تأمین نمایند و در امور مربوط به نگهداری از کودکان و خانه تقسیم مسئولیت نمایند و همچنین بتوانند در امور سیاسی، صنفی و دیگر امور جمعی در محیط کار و جامعه مشارکت داشته باشند.

سوسیال دموکراسی از راه هدایت افکار عمومی، آموزش، تحولات سیاسی در تمامی رویای جامعه برای برقراری برابری بین مردان و زنان کوشش می نماید. کار برای برابری زن و مرد باید همزمان با برطرف سازی ناعدالتها بین گروه های مختلف جامعه به پیش روده، این خود بازتابی است از کوشش سوسیال دموکراسی در جهت بنیاد نهادن جامعه ای برابر و عادلانه.

۵. کمونها و شوراهای استانی

خودگردانی کمونها بخش انکار ناپذیر و ضروری از خوداداری مردمی سوئد است. کمونها از سوی نمایندگان برگزیده ی مردم که در مقابل ساکنان کمونها مسئولیت مستقیم دارند، اداره می شوند. یکی از شرایط خودگردانی ها اخذ مالیات می باشد. تضاد در زمینه ی امکانات مالی میان کمونها باید برداشته شود.

در چهارچوب قوانین تصویب شده توسط دولت و پارلمان، کمونها و شوراهای استانی در محدوده های جغرافیایی خود مستقلاً مسئول توسعه و راه اندازی مسائل اجتماعی خود می باشند. همکاری بین دولت و کمونها ضامن رفتار و برخورد یکسان با شهروندان است. سازمان کمونی و شوراهای استانی باید آنچنان سازمان داده شود که امکان شرکت وسیع شهروندان را در تصمیم گیریها میسر سازد. برای ایجاد مدیریت کارا و استفاده ی اصولی از امکانات باید کوشش نمود. علاوه بر این بایستی به نظرات و نقش کارکنان و کسانی که از خدمات بهره مندند، بر فعالیتهای روزمره توجه شود.

۶. حرکت های مردمی

انسانها در جنبش های مردمی برای رسیدن به اهدافی مشترک که در برگیرنده ی خواستههای آنانست تشکل می یابند. در حرکتهای مردمی توانایی انسانها و اشکال

سوئد سوسیال دموکرات برنامه ی سیاسی

۱. اصول و بنیان ها
سوسیال دموکراسی خواستار نظامی اجتماعی است بر اساس حکومت مردم بر مردم با حق رای همگانی و برابر و مخفی در انتخاباتی آزاد و بر مبنای سیستم چند حزبی. مراجعه به آرای عمومی مشورتی می تواند مکمل انتخابات باشد. حکومت در انتخاباتی عمومی و آزاد و بنا بر اصول پارلمانتاریستی انتخاب می گردد. قدرت سیاسی برخاسته از مردم و توسط نمایندگان منتخب مردم و ارگانهای صلاحیتدار به مردم اعمال می گردد.

جمهوری

۲. نظام حقوقی
سوسیال دموکراسی متعهد به ایجاد جامعه ایست بر پایه ی نظم و قانون، متکی بر امنیت حقوقی، دادگاه های آزاد و غیر وابسته، یکسانی همه در برابر قانون و امکانات مالی برای همه برای دفاع از حقوق خویش. قضاوت دادگاه ها باید بر اساس رویه دادرسی عمومی در تمام مراحل رسیدگی و همکاری هیئت منصفه در جریان دادرسی صورت گیرد.

۳. حقوق و آزادیهای شهروندی
آزادی عقیده و مذهب، حق برخورداری از هویت شخصی و احترام به زندگی خصوصی و آزادی بیان و قلم شرط دموکراسی است. برای تحقق بخشیدن به این شرط بایستی جامعه بتواند با حمایت مادی از گوناگونی تفکر همگانی، آزادی تشکل و جلسات با حق تظاهرات علنی برای اظهار عقیده و حق سازمانهای صنفی برای اقدامات مبارزاتی پشتیبانی نماید. به بیانی دیگر وجود ممنوعیت علیه انواع شیوه های تبعیض گرایانه شرط دموکراسی سیاسی می باشد. قوانین باید بر پایه ی ارزشهای برابر و تجاوزناپذیر همه ی انسانها تصویب شوند. همه ی کردارها و باورهای دینی و مذهبی باید داوطلبانه انجام پذیرد و رابطه ی بین دولت و مجامع دینی بر اساس اصول آزادی عقیده و دموکراسی تنظیم گردد.

همکاری بین المللی برای پیشرفت و یکسانسازی اقتصادی و اجتماعی با تمام توان کوشش نموده، فعالاته برای حل معضلات زیست محیطی و منابع طبیعی زمین همکاری نماید، همکاری هر چه وسیعتر کشورهای اروپایی را تقویت نموده، از کوششهای بین المللی برای از سرراه برداشتن موانع گمرکی و دیگر موانع بازرگانی حمایت کرده و سرانجام برای برنامه ریزی های ویژه در سیاست بازرگانی در جهت تأمین منافع کشورهای توسعه نیافته همکاری نماید.

کوشش در راه امنیت مشترک بخش اصلی سیاست تأمین صلح و کاهش جنگ افزار را تشکیل می دهد. جلب اعتماد و در نتیجه کاهش عمیق حساسیت ها، خلع سلاح اتمی بطور جدی هم در خشکی و هم در دریاها، ممنوعیت کامل همه سلاح های شیمیائی، کاهش فروش اسلحه و نیز کوشش برای تغییر تولید نظامی به غیر نظامی از جمله این کارها هستند.

دفاعی استوار بر پایه های دموکراسی بخشی از سیاست امنیتی ماست. دفاع کلی نظامی باید از آنچنان هدف و بافت و حجم و توانایی برخوردار باشد که سؤدد در یک حالت بحرانی یا جنگ بتواند نشان دهد که هم تمایل و هم توانایی دفاع از بی طرفی خود را دارد. اساس دفاع نظامی خدمت و وظیفه ی اجباری عمومی است. محافظت جدی و کارا از ساکنان سؤدد بخش مهمی از دفاع جمعی است.

۹. توزیع

توزیع عادلانه ی رفاه، داشتن نقش اجتماعی و آزادی انتخاب از راه یکسان سازی درآمد ها و دارایی ها امکانپذیر می گردد. سیاست اقتصادی و سیاست بازار کار بمنظور تضمین حق کار سازمان داده می شود، زیرا که حق همگان برای کار اساس برابری ها و توزیع عادلانه ی رفاه و تأثیر بر جامعه است. برای کار با ارزش برابر باید حقوق برابر پرداخت شود.

شرط دیگر برای اینچنین توزیع عادلانه ای سیاست اداره و تأمین اقتصادی عمومی برای امنیت اقتصادی جامعه است. سیستم مالیاتی که بر پایه ی تبادل درآمد و دارایی های ریزی می شود، تأمین خدمات و بیمه های اجتماعی از قبیل درمان، مراقبت و رشد را از نظر اقتصادی ممکن می سازد.

این خدمات همه ی شهروندان را با شرایط برابر با توجه به نیاز آنان نه در آمدی که دارند دربرمی گیرد. چنین گمی سرمایه داران از میان برداشته می شود و دخالت در امر دادوستد متداولتر می گردد. نهادهای برگزیده ی مردم حق تصمیم گیری سرمایه را بر زندگی روزمره ی مردم کاهش داده و حقوق بگیران بر محیط کار خویش نفوذ خواهند یافت.

مشترک پذیرش مسئولیت برای رسیدگی به امور مشترکشان شکوفای می شود و رشد می یابد. جنبش های مردمی همزمان با تشریح کردن خواسته های خود به جامعه به اعضای خود این امکان را میدهند که علاوه بر نقشی که در زندگی خود ایفا می کنند بر جامعهی پیرامون خویش نیز تأثیر داشته باشند. بنابراین حرکت های مردمی نقشی بارز در روند دموکراسی ایفا می کنند.

سوسیال دموکراسی در همکاری با حرکت های مردمی و سازمانها و تعاونی ها در دولت و کمونها و شوراهای استانی سیاستی را دنبال می کند که موجبات گسترش فعالیت و مسئولیت های این سازمانها را فراهم نماید. باید به اشکال جدید همکاری بین حرکت های مردمی، تعاونیها و بخش عمومی دست یافت.

۷. مدیریت

نهادهای اجتماعی باید زیر کنترل دموکراتیک قرار گیرند و بر طبق اصل علنییت بکار بهراندند. فعالیتهای آنها باید بر اساس مقرراتی صورت گیرد که از سوی نهاد سیاسی مسئول تعیین شده و اجرای آنها بر پایه ی امنیت حقوقی فرد و نیز احترام به موجودیت فردی انجام پذیرد. کردار آنها بایستی نشانگر خیرگی و کارایی و زبان آنها باید زبان گفتگو و ساده و قابل فهم باشد. مقامات با مراجع قانونی بایستی با گشاده رویی در خدمت شهروندان باشند.

۸. سیاستهای خارجی، کمک مالی، بازرگانی و امنیتی هدف سیاست خارجی حفظ استقلال کشور، دفاع از صلح و کمک به سیستم جهانی است که بیانگر رفاه آزادی و ارزش انسانهاست. با توجه به این هدف سؤدد باید از سیاست عدم تعهد و هدف بی طرفی در جنگ پیروی نماید. و فعالاته برای همکاری مفید و سازنده بین المللی بکوشد. این همکاری باید بر مبنای حق استقلال ملی همه ی مردمان باشد، که وظیفه ی آن بنیان نهادن سیستم حقوقی بین المللی و سازماندهی اقتصادی بین المللی است که منافع همه ی مردم را مد نظر قرار دهد و استقلال سیاسی و مالی اتحاد مردم را بر اساس مصوبات و کنوانسیونهای سازمان ملل تأمین نماید تا از این طریق صلح جهانی نیز تضمین شود.

برای رسیدن به این اهداف سؤدد خواستار شرکت و همکاری در فعالیت های سازمان ملل است. بهمین جهت در تقویت موضع این سازمان می کوشد تا از این راه به این سازمان امکان تصمیم گیری و نبدان عمل بر اساس حق بین المللی داده شود، تا به کوششهایی که برای خلع سلاح جهانی و کاهش تنش های موجود در جریان است کمک نموده، از جنبش های آزادیبخش مردمی پشتیبانی نماید، در رابطه با

خواهان گسترش و هماهنگی قوانین می باشد. جامعه شرایط بهره برداری از زمین و آب را تعیین و نیز بر نقش صنایع، جنگلداری و کشاورزی بر محیط زیست نظارت می نماید.

ابزار اجرایی اداری و مالی می تواند بکار گرفته شود تا بر تولید در جهت مناسب با محیط زیست تأثیر گذارد. شرایط اساسی محیط زیست، بهداشت و امنیت تولیدی از طریق تصویب قوانین تعیین می گردد که همکاری با آن اجباری بوده و تولید کننده موظف به انجام این امر است که تولیدات تازه یا فرایندهای تولیدی او پاسخگوی شرایط و قانونمندیهای محیط زیست باشد.

افرادیکه مسئول پخش مواد آلاینده، یا دیگر عوامل زیانمند برای محیط زیست هستند، باید هزینه هایی را که بدین علت ایجاد می شود بعهده بگیرند. پژوهش های مربوط به فرآورده ها و فرایندهای تولیدی سازگار با محیط زیست رویانهای است و تولید از نقطه نظر زیست محیطی کنترل می گردد.

کوشش در جهت کاربرد دوباره از مواد خام انجام شده است و روش هایی برای مواظبت و نگهداری از مواد زائد و زباله های صنعتی و خانگی به ترتیبی که برای محیط زیست زیانمند نباشد در حال تکوین است. گوناگونی انواع در طبیعت باید حفظ شود و جنگلداری و کشاورزی بایستی با شرایط بهداشت طبیعت و شرایط ویژه ی طبیعی مناطق همخوانی داشته باشد.

محیط زیست مسأله ایست جهانی، همکاری بین المللی پیرامون اقداماتی در جهت پیشگیری از وارد آوردن خسارات به محیط زیست از یکسو و ترمیم آسیب های وارده از سوی دیگر برای حفظ پایدار محیط زیست ضروری است. مسائل درازمدت بین المللی برای حفظ محیط زیست شرایط ویژه ای را جهت اقدامات مشترک بما تحمیل می کنند. از این رو کشورهای که از لحاظ تکنیکی پیشرفته هستند مسئولیت خاصی در این زمینه برعهده دارند. آنها بایستی دانش حفاظت از محیط زیست و امکانات مالی در اختیار کشورهای دیگر بگذارند و از این راه به رشد آنها در راستای توجه مبرم به محیط زیست کمک کنند.

۱۰. مالکیت و سرمایه گذاری

جامعه با تصویب قوانین و رهنمودهای اجرایی حقوق و وظایف متناسب با مالکیت را تعیین می کند. آئین نامه های مربوط به حفاظت محیط کار و بیرون از محیط کار، استفاده از زمین و منابع طبیعی، مزایا و حقوق شاغل ها و نیز آئین نامه های مربوط به پشتیبانی از مصرف کنندگان از آن جمله اند.

کارکنان بوسیله ی سازمانهای صنعتی خویش حق نظارت و دخالت در اداره ی مؤسسات را دارند. بانکها، انستیتوهای اعتباری و شرکتهای بیمه باید تحت نظارت جامعه قرار گیرند. باید با تمرکز قدرت اقتصادی و چیرگی جرگه سالاران مبارزه نمود. ابزار اصلی برای انجام اینکار انباشت سرمایه ی جمعی است که سبب نفوذ دمکراتیک بر دادوستد می شود. سرمایه ی انباشته شده باید بشکلی تقسیم گردد که سبب رشد متعادل اقتصادی و خلاقیت در فعالیت تجاری و نیز سهم شدن مردم در رشد ثروت عمومی گردد.

در مقابل سرمایه ی خصوصی که در سطح بین المللی در گردش است، سرمایه ی جمعی وزنه ی تثبیت کننده ی تعادل است. اشکال دیگر مالکیت از قبیل مالکیت دولتی و تعاونی هم بمنظور رقابت و تنوع بکار گرفته می شود. با توافق نامه های محدود کننده ی رقابت بین مؤسسات تجاری که به زیان مصرف کننده و روابط آزاد تجاری است، از طریق تصویب قوانین مخالفت می شود. در مواردی که ضرورت ایجاد می کند برای پاسداری از سودهای مشترک، منابع طبیعی، انستیتوهای اعتباری یا شرکتهای خصوصی زیر مالکیت یا کنترل جامعه درخواست خواهند آمد.

۱۱. محیط زیست

شرط اساسی سیاست موفقیت آمیز زیست محیطی آنست که همه ی شهروندان و همه ی مؤسسه ها و سازمانها و ادارات و مسئولان اجرایی خود مسئولیت محیط زیست سالم و استفاده از منابع طبیعی را بعهده بگیرند. شرایط حفظ محیط زیست باید همه ی جوانب جامعه را زیر پوشش خود قرار دهد. بنابراین شرایط و خواست محیط زیست آغازیست برای تکامل فراورده ها و فرایندهای تولیدی، انرژی و سیستم رفت و آمد و همچنین استفاده از مواد خام و دیگر منابع طبیعی باشد.

شروط زیست محیطی همچنین باید محتوای تولیدات را دربرگیرد، بعنوان نمونه مواد غذایی سالم با کیفیت خوب. خرابی های گذشته را باید ترمیم کرد و از بوجود آمدن مشکلات جدید محیط زیست جلوگیری نمود. انجام امور یادشده

۱۲. انرژی

تأمین انرژی و انجام پژوهش‌هایی در این زمینه و نیز توسعه منابع جدید انرژی به‌عده‌ی جامعه است. پژوهش، توسعه فنی و تولید طوری جهت داده می‌شود که سیستم انرژی تا آنجا که امکان دارد بر پایه‌ی منابع انرژی پایدار داخلی و قابل ترمیم و نیز استفاده‌ی مثبت از امکانات و تکنیک انرژی متناسب با محیط زیست بنا شود. عرضه‌ی انرژی باید به شکلی صورت گیرد که صنایع کشور بتوانند با صنایع کشورهای دیگر رقابت کنند. زیاده و مواد زائد خروجی سیستم انرژی در زمین، هوا و آب باید به کمترین اندازه برسد و نیروگاه‌های اتمی بسته شوند. کاربرد پسندیده و آگاهانه از انرژی برای دست‌یابی به اهداف محیط زیست و تأمین انرژی ابزار مهمی بشمار می‌رود. پیش‌شرط این امر سازمان دادن مناطق مسکونی، محل‌های کار و سیستم ترابری با توجه به برنامه‌ی صرفه‌جویی در مصرف انرژی است. همچنین برای استفاده از تکنیک‌های تولیدی با مصرف کم انرژی بایستی از صنایع حمایت مالی شود و شهروندان نیز در صرفه‌جویی و استفاده از انرژی احساس مسئولیت کنند.

۱۳. سیاست مالی و مالیات‌ها

سیاست مالی در جهت حمایت و تقویت کار برای همگان، رشد و گسترش تکنیکی و اقتصادی و صنعتی و با توجه به محیط زیست و تعادل منطقه‌ای و ارزش پولی ثابت تعیین می‌شود. سیاست مالی یادشده از جهاتی برای سیاست توزیع نیز مورد است. هدف سیاست مالیاتی آنست که برای نیازمندیهای ضروری و مشترک و خواسته‌های شهروندان و همچنین برای امنیت اجتماعی و نیز پشتیبانی از کاربرد پسندیده از منابع تولیدی کشور و دست‌یابی به تقسیم هم‌اندازه‌ی دارایی زمینه‌ی مناسب را پدید آورد. اصل پرداخت مالیات بر اساس توان مالی باید بکار گرفته شود. مالیاتی که از درآمد و از سرمایه و از بازدهی آن گرفته می‌شود، باید برای تأمین مخارج جامعه کمکی مهم باشد. همچنین سیستم مالیاتی باید به شیوه‌ای تنظیم گردد که امکان فرار از پرداخت مالیات را از میان بردارد. به‌داری بالاتر از اندازه‌ی مشخصی مالیات تعلق می‌گیرد. مالیات بندی باید به شکلی تنظیم شود که دلخواه منافع تولیدی باشد. مکمل این شیوه مالیات‌ها و کارمزدهایی است که بر تولید و مصرف و حفظ بهداشت و محیط تأثیر می‌گذارد. کنترل مالیاتی جامعه باید به شیوه‌ای کارا و همراه با بزرگداشت شخصیت افراد باشد.

۱۴. سیاست منطقه‌ای

یک کشور مجموعه‌ایست از مناطق گوناگون. در سوئد هر یک از این منطقه‌ها بنوبه‌ی خود در سازندگی کشور شرکت داشته و در آینده نیز نخواهند داشت. پیشرفت‌های اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی منطقه‌های گوناگون در مجموع سبب پیشرفت‌های ملی می‌گردد. چنین پیشرفت‌هایی حق همه انسانها را برای تأمین کار، مسکن، خدمات اجتماعی، آموزش، فرهنگ و محیط زیست مناسب در همه‌ی نقاط کشور واقعیت می‌بخشد. بنابراین یکی از مهمترین وظایف سیاسی ایجاد تعادل بهتر بین بخش‌های گوناگون کشور است. این سیاست باید در راستای گسترش بازرگانی، ایجاد کار و دسترسی همگان به خدمات اجتماعی در سراسر کشور باشد.

سیاست‌های ویژه‌ی منطقه‌ای همچون رهنمودی باید به شکلی اعمال شود که از افزایش و تراکم جمعیت در برخی مناطق و کاهش آن در مناطق دیگر پیشگیری کند. سیاست منطقه‌ای بیشتر در جهت رشد شرایط و زمینه‌های تجاری و اقتصادی منطقه‌های گوناگون کشور می‌باشد. شرط اساسی در رابطه با این نقطه نظرات وجود یک سیستم آموزش عالی و پروژه‌های پژوهشی گسترده و شکوفا در مدارس عالی محلی، ترابری و سیستم ارتباطی منظم و نیز اقداماتی در جهت گسترش و توسعه‌ی تکنیک می‌باشد.

یکی دیگر از شرایط اصلی و پایه‌ای وجود کشاورزی و جنگلداری فعال است که عاملی است برای وجود روستاهای زنده و پویا. جامعه می‌تواند به موسسه‌هایی که بخواهند در مناطق توسعه نیافته آغاز بکار کنند، تحت شرایطی کمک مالی کند. استانداردها، منازل مسکونی، محیط زیست مفهوم کلی، بهداشت و درمان، پرستاری و فرهنگ از جمله رکن‌های پایه‌ای رشد و پیشرفت منطقه‌ای می‌باشند. بنابراین به سیاستی که در مورد همه‌ی مناطق کشور اعمال می‌گردد، باید ابعاد روشنتری داده شود.

اداره‌های کل و سایر دوایر اجرایی نباید تنها به مناطق پرجمعیت و شهرهای بزرگ اختصاص یابند، بلکه لازم است در همه‌ی کشور پراکنده و مستقر شوند. برای بخش خصوصی نیز باید مقرراتی گذاشت تا سهم خود را نسبت به مسئولیتی که در برابر تعادل منطقه‌ای دارد، عهده‌دار گردد. جامعه در واقع مسئولیت اصلی بمرحله‌ی اجراء آوردن چنین کوشش‌هایی را عهده‌دار بوده و ملزم به اقداماتی هماهنگ کننده در جهت زیر پوشش قرار دادن همه‌ی زمینه‌های سیاسی است. مراجع قانونی باید از آزادی تام برخوردار باشند تا در چهارچوب‌های تعیین شده از سوی پارلمان و دولت برنامه‌های واقعی و سیاست مشخص منطقه‌ای خود را در

۱۶. ترافیک

سیاست ترافیک آنچنان پایه گذاری می شود که شهروندان و بخش بازار در نقاط مختلف کشور بتوانند از سیستم ترابری مطمئن و مناسب با محیط زیست و سازگار با کمترین توان مالی برخوردار باشند. سیاست ترافیک باید با سیاست منطقه ای هماهنگ گردد و تصمیم ها و بهره برداریها در بخش ترافیک باید بر پایه ی پژوهش ها و نتایج مناسب با محیط زیست باشد. سیاست ترافیک باید مردم را در استفاده از خودروهای همگانی و حمل و نقل کالای مناسب با محیط تشویق کرده و با جنبه های منفی اتومبیلرانی مبارزه نماید. در این رابطه باید شرایط سنگینی برای خودروهای شخصی و ترافیک هوایی تعیین گردد تا از آلودگی محیط زیست پیشگیری شود.

ترافیک مناطق پرجمعیت - طرح ایجاد ساختمان مسکونی باید به تریبی باشد که ترافیک همگانی بخش بزرگی از نیازهای ترافیکی مردم را برآورده سازد و مردم از سروصدا و تنفس گازهای ناشی از خودروها در امان باشند. انجام این کار به برنامه ریزیهایی درازمدت برای منطقه ای کردن سازمان ترافیک در ایجاد جداگانه و زمین نیاز دارد. علاوه بر این، موضوع به امکاناتی در رابطه با درازای خط های رفت و آمد، تعدد آمدوشدها، زمانهای حرکت و ایستایی، مخارج و آسایش مسافران در طول راه بستگی دارد.

۱۷. دمکراسی محل کار

کارکنان از طریق سازمانهای صنفی خویش حق اظهار نظر و شرکت در تصمیم گیری در همه ی سطوح محل کار خود را دارند. سازمانهای صنفی دارای حق مذاکره و گفت و شنود و مشاجره با کارفرما هستند. نمایندگان مورد اعتماد صنفی حق دارند در ساعت های کاری با احتساب حقوق کامل به فعالیتهای صنفی بپردازند. اطلاعات و اخبار صنفی نیز بهمیگونه در ساعات کار و با احتساب حقوق می تواند به آگاهی کارکنان رسانده شود. این حقوق و مزایا باید شامل همکاریهای ائتلافی صنفی در سطح ملی و بین المللی نیز گردد.

کارکنان بخش های عمومی در چهارچوب مصوبات دمکراتیک سیاسی تعیین شده برای وظایفشان حق ابراز نظر و تأثیر گذاری در محل های کار و بر شرایط کارشان را دارند. کار باید بشکلی سازماندهی شود که دخالت کارکنان در کارهایشان افزایش یافته و امکاناتی فراهم آید که ابتکار فرد تقویت شود و حقوق بگیران باید از امنیت استخدامی بر اساس قانون برخوردار باشند.

مناطق تدوین کنند. در محدوده ی سیاست منطقه ای بایسته است کوششهای ویژه ای برای بهینه ساختن امکانات و اوضاع زنان برای شرکت در کار و پیشرفت کشور انجام گیرد.

۱۵. شهرهای بزرگ

شهرهای بزرگ در رشد و پیشرفت اقتصادی و تکنیکی و فرهنگی کشور نقش اساسی ایفا می کنند و با تنوع بازار کار، عرضه ی محیط فرهنگی متنوع و پرمحتوا، بازرگانی و بخش تفریحات سالم شهرهای بزرگ شرایط زیستی شکوفا و مهیج و شادی آفرینی را برای شهروندان خود فراهم می آورند. اما همزمان سبب محدود شدن خواستههای حیاتی برای شمار زیادی نیز می گردند، برای نمونه، فاصله ی اغلب طولانی بین محل سکونت و کار در شهرهای بزرگ از فرصت کافی برای زندگی خصوصی و سرگرمیهای اوقات فراغت می کاهد. همچنین دشواریهای اجتماعی مانند اعتیاد به مواد مخدر، جنایت و مطرود شدن اجتماعی به نسبت شهرهای دیگر آشکارتر است.

ترافیک شهرهای بزرگ نیز خود موجب مشکلات ویژه ی محیط زیست می گردد. اختلاف میان اقدار جامعه پیشگیرتر بوده و بین بخشهای گوناگون شهرهای بزرگ در رابطه با بازار کار، امکانات کمونی برای رفع نیازهای اجتماعی و دستیابی به خدمات فرهنگی و تجاری اختلاف طبقاتی عمیقی وجود دارد. رشد متعادل منطقه ای تراکم بیش از حد بازار کار و مسکن را که موجب بروز مشکلات اجتماعی می شود، کاهش می دهد. علاوه بر این اقدامات ویژه ای در مناطقی که دارای شهرهای بزرگی هستند ضروری می باشد. تقسیم هماهنگ محل های کار بین مناطق و سیستم ترابری سبک و انعطافپذیر با یک سیستم کارای ترافیک همگانی از شرایط مهم بشمار می آید.

همچنین ساختن مناطق مسکونی در همه ی بخش های منطقه و با توجه به نیازهای خانواده های گوناگون و امکانات مالی آنها از نکات مهم اقدامات بالا می باشد. تعمیر و بازسازی مناطق مسکونی کهنه در کلیت خود با توجه به نیاز و اهداف خدمات اجتماعی، فرهنگی و تجاری باید در جهت بهینه سازی محیط زیست انجام پذیرد. ساختار کمونها باید به گونه ای باشد که ساکنان نقاط مختلف شهرهای بزرگ در توسعه و پیشرفت مناطق خود نقشی داشته باشند و همچنین بایسته است از جریانات مردمی و اتحادیه ها در جهت ایجاد فعالیتهای سودمند بین همسایگان و ساکنان محل و در راستای ایجاد وزنه ای در برابر تفریحاتی صرفاً تجاری پشتیبانی نمود.

۱۸. بازار کار

سیاست بازار کار به گونه‌ای باید تنظیم گردد که ضامن کار برای همگان و بدور از هر گونه تبعیض و جداسازی جنسی باشد. علاوه بر این موقعیت افراد ناتوان را در محیط کار تقویت و حق انتخاب فرد را افزایش بخشد. تحقق بخشیدن این اهداف خواهان ایجاد اداره‌ی کارایی همگانی توانمند و سیستم آموزشی مناسب با بازار کار است. جامعه باید آمادگی رویارویی با دیگرگونی‌های بنیانی و رکود اقتصادی را داشته باشد و بتواند در چنین شرایطی موجب ترغیب و تشویق افزایش پذیرش نیروی کار شود.

جامعه باید در جهت پشتیبانی از گروه‌هایی که به حمایت ویژه در بازار کار نیاز دارند، بکوشد. اقداماتی که منجر به یافتن کار و یا گذراندن دوره‌ی آموزشی برای بیکاران شود بایستی بر کمک هزینه‌های بیکاری ترجیح داده شوند. اما هنگامیکه این اقدامات به دلایل گوناگون تحقق نمی‌پذیرند، فرد مذکور حق بهره‌مندی از حمایت مالی در سطح معقول را دارد. به توانبخشی و اقدامات دیگری که برگشت انسانها به بازار کار و یا ادامه‌ی کار پس از بازنشستگی را تسهیل می‌سازد باید برتری داده شود. جوانان زیر ۲۰ سال باید از نظر کار و آموزش تقسیم‌گرددند.

۱۹. اوقات کاری

کاهش ساعات کار همگانی به شش ساعت در روز هدفیست درازمدت. خواست کاهش ساعات کار با ضرورت رفع شرایط طاقت فرسای محیط کار یا تغییرات سازماندهی کار همچنین دیگر اهداف مهم رفاهی هماهنگ می‌گردد. برای گروه‌هایی که ساعات کاری متغیر، غیر عادی و نامنظم دارند و نیز گروه‌هایی که مسئولیت نگهداری از کودکان و بستگان سالمند یا معلول خود را دارند، کاهش زمان کار ارجحیت داده می‌شود.

بازار کار با تطبیق دادن کار کوتاه مدت تر پاره‌ای از گروه‌ها نسبت به گروه‌های دیگر می‌کوشد از بین همه‌ی مشاغل ساعات کاری مختلفی در بین همه‌ی مشاغل عرضه نموده و برای یافتن راه‌حلهای ممکن بکوشد. همچنین کاهش ساعات کار باید بعنوان شیوه‌ای از راه‌حلهای قرارداد استخدای و بیمه‌های اجتماعی مد نظر قرار گیرد. کارکنان بایستی امکان تأثیر گذاری بر شیوه‌ی تعیین ساعات کار، ساعات آموزش و ساعات تعطیلی داشته باشند. همه‌ی مزدبگیران حق دارند از حداقل مرخصی قانونی برخوردار شوند. حقوق اجتماعی که با کار گره خورده است باید برای همه‌ی حقوق بگیران یکسان باشد.

۲۰. محیط کار

سوسپال دمکراسی برای پدید آوردن کار بهتر می‌کوشد؛ تکنیک‌های جدید برای پایان دادن به کارهای یکساخت، نامطمئن یا خطرناک برای سلامتی باید بکار گرفته شوند. فرایند کار و محیط کار باید آنچنان سازمان داده شوند که پاسخگوی شرایط تأمین امنیت جانی و سلامتی، حفظ محیط خارج از کار و احساس خوشنودی همه‌ی کارکنان از کار و نیز امکان ادامه‌ی رشد و پیشرفت در کار باشد. بدینجهت محل کار باید سازگار با شرایط انسانها باشد و اقدامات ویژه‌ای بعمل آید که حتا کسانی که دارای نقص عضو هستند، بتوانند نقش و سهمی در محیط کار داشته باشند. به کوششهای پیشگیری کننده از رویدادها و اقدامات توانبخشی باید بیشترین برتری داده شود. محل‌های خطرناک برای کار باید تعطیل شوند و به کارهای خطرناک پایان داده شود و به محیط کار زنان توجه خاصی مبذول گردد. کارکنان باید نقش تعیین کننده بر محیط و برنامه‌ریزی کار و همچنین خدمات درمانی محل کار که حق مسلم همه‌ی مزدبگیران است، داشته باشند. کارکنان و سازمانهای صنفی آنها مسئولند که هیچ کس از شرکت در گردونه‌ی کار خارج نشود و مشکلات محیط کار برای افراد یا گروه‌هایی از کارکنان بسرعت مد نظر قرار گیرد و برطرف شود.

۲۱. مصرف کنندگان

خواست و علاقه‌ی مصرف کنندگان رهنمودی است برای تولید. نوع کالا و خدمات را خود مصرف کنندگان تعیین می‌کنند، اما اینها مستلزم اینست که مصرف کنندگان موضعی قوی و مستقل در برابر تولید کنندگان داشته باشند و به تمایلات تجاری سودجویانه اجازه‌ی استثمار و سرزدگمی مصرف کنندگان داده نشود.

برای جلوگیری از اینگونه اقدامات و تقویت موضع مصرف کنندگان ضروریست اقداماتی در ارگانهای اجتماعی و سازمانهای غیر انتفاعی مصرف کنندگان صورت گیرد. خواستهای مشترک مصرف کنندگان بر کیفیت تولید از جهات رعایت مسائل محیط زیست، بهداشت و امنیت از راه تصویب قانون مشخص می‌گردد که رعایت آن برای موسسه‌های تولیدی اجباریست.

افزایش رشد قیمتها بوسیله‌ی نهادهای اجتماعی پیگیری می‌شود و این امر می‌تواند از افزایش بیرویه‌ی قیمتها جلوگیری کند. تبلیغات تجاری نباید گمراه کننده یا تبعیض آمیز باشد. همفکری و رهنمودهایی که از سوی بانکها و موسسه

جامه‌ی سوند را غنی می‌سازند. باید با هر گونه تبعیض نژادی و بیگانه ستیزی مبارزه شود.

معلول ها

معلولها از این حق برخوردارند که سطح زندگیشان از لحاظ مالی، فرهنگی و اجتماعی با شهروندان دیگر برابر باشد. در این راستا بایسته است که محیط کار و نظام آموزشی مناسب حال افرادی باشد که نقص عضو دارند. ساختمانهای مسکونی و مناطق پیرامون آن و نیز اماکن دیگر باید طوری ساخته شوند که برای معلولها قابل استفاده باشد. موسسه های فرهنگی، تاسیسات و تفریحگاه های فضای آزاد و آسایشگاه ها باید طوری آماده شوند که حتا افراد معلول نیز قادر به دیدار و استفاده از آنها باشند.

معلولها از حق تمرین و یادگیری کار و امکان شرکت در فعالیتهای سودمند در محل کار بهره مند هستند. بطور کلی امنیت مالی معلول ها از راه سیستم بیمه های اجتماعی تضمین می گردد. علاوه بر این یاری رساندن به معلول ها در زندگی روزانه از راه خدمات اجتماعی، مددیار شخصی، وسایل امدادی فنی و خدمات ترابری انجام می شود.

مراکز توانبخشی و تقویت بنیه بمنظور کاهش پیامدهای آسیب ها و بیماریها گسترش می یابند. کمک به کودکان معلول و خانواده های آنها توسعه می یابد و از تکنیک جدید بمنظور بهبود وضع معلولها استفاده می شود. معلولها باید شخصاً و از راه سازمانهای وابسته به خود در چگونگی خدمات عرضه شده ی جامعه به آنان نقش داشته باشند. این امر مشروط بر اینست که جامعه در باره ی حقوق و امکانات موجود که پاسخگوی خواستههای گوناگون انواع معلولها باشد، اطلاعات کافی در اختیار آنها قرار دهد.

۲۴. کودکان

مبنای سیاست خانوادگی جامعه رفاه و امنیت هر چه بیشتر کودکان است. این امر خواهان اینست که جامعه به اشکال گوناگون از خانوارهای بچه دار پشتیبانی کند. همچنین بایسته است طرح ریزی ساختمانهای مسکونی، اجرای پروژه های ساختمانی و ترفییک با توجه به نیازهای کودکان صورت پذیرد. محیط کار و خدمات اجتماعی باید آتچنان ترتیب داده شوند که پدر و مادران بتوانند نگهداری و پرستاری شایسته از فرزندانشان را با کار پیگیر و دیگر برنامه های زندگی خویش تنظیم کنند.

های تجاری دیگر در باره ی مسائل اقتصادی در رابطه با مشتریان آنها انجام می پذیرد، باید ساده و قابل فهم و سنجش باشد. همچنین بشکلی تشریح گردد که نتایج و پیامدهای اقتصادی آن برای کسانیکه وام می گیرند آشکار و روشن باشد. راهتسایی کردن مصرف کنندگان در کمونها در باره ی مسائل مربوط به مصرف بطور کلی و مصارف شخصی و دادن آگاهی های لازم به مردم با همکاری سازمانهای غیرانتفاعی مردمی انجام می پذیرد. ترکیب و محتوای هر کالا باید آشکارا روی آن کالا توضیح داده شود و بهای آن مشخص باشد.

۲۲. مهاجران و پناهندگان

مهاجر، مانند اتباع سوند، از حقوق کار، مسکن و امنیت اجتماعی برخوردار است و در سطح کمون دارای حق رای بوده و حق انتخاب شدن برای پستهای نمایندگی و هیئت رئیسه ی کمون را دارد. در مدارس ابتدایی و متوسطه دانش آموزان مهاجر باید از آموزش زبان مادری برخوردار بوده و همزمان باید توانایی خود را جهت فراگیری زبان سوندی بکار برند. مهاجران بزرگسال از حق آموزش رایگان و پایه ای زبان سوندی برخوردارند. دانش اجتماعی در باره ی کشور باید بزیانتهای گوناگون در اختیار مهاجران قرار گیرد. به فعالیتهای فرهنگی مهاجران کمک مالی می شود و انستیتوهای فرهنگی باید به فرهنگ مهاجران توجه داشته باشند.

مراکز خدمات درمانی و مراقبت از سالمندان باید وضعیتی را که مهاجران بیمار با بازنشسته شاید به سبب عدم پییرگی بزیان سوندی با آن روبرو می شوند، مورد توجه قرار دهند. از این رو بایسته است که به استخدام کارکنان دوزبانه توجه بیشتری شود و نیز در بخشهای درمانی و مراقبتی از مترجم استفاده شود. خدمات درمانی و بیمارستانی باید به مشکلاتی که ممکن است مهاجران و پناهندگان در اثر رویدادهای سخت زندگیشان، از جمله ستم و خشونت، به آن دچار شده اند توجه خاص نمایند.

سوند باید سیاست پناهندگی سخاوتمندانه و انسانی در پیش گیرد و کمکهای خاصی به پناهجویان ساکن اردوگاه های پناهندگی و یا گروه هایی از مردم که زیر زور و فشار قرار دارند، اختصاص دهد. در داخل سوند پناهندگان باید از حق پذیرایی ارزشمند برخوردار باشند، پرونده هایشان بسرعت مورد رسیدگی قرار گیرد و برای مشارکت در امور جامعه از کوششهای نهادهای اجتماعی و سازمانهای خیریه برخوردار شوند. نیاز پناهندگان به مسکن باید در برنامه های مسکن سازی کمونها گنجانده شود. همچنین سوند در چهارچوب سیاست های مهاجرت و پناهندگی با پدیده ی مهاجرت در سطح بین المللی تشریک مساعی نماید. مهاجران

۲۵. سالمندان

برای سالمندان کشور باید امکانات زندگی خوبی فراهم شود. همه از این حق بهره مندند که در پیری از امنیت مادی برخوردار باشند. این امر خود خواهان وجود سیستم خوب بازنشستگی اجتماعی است. سن بازنشستگی باید در توافق و سنجش با تقاضای فرد باشد. حقوق بگیر سالمند حق دارد بطور نیمه وقت بازنشسته شود. سالمندان حق دارند از خدمات اجتماعی و مراقبتی مطمئن برخوردار شوند. این امر نیز خواهان سیستم مراقبت و اسکان سالمندان است که بتواند در تطابق با نیازها و خواسته‌های فردی شیوه‌های گوناگونی از خدمات و درمان را ارائه دهد. سالمندان نیز باید بوسیله‌ی سازمانهای وابسته به خود در شکل و چگونگی خدماتی که از سوی جامعه به آنان داده می‌شود، نقش مؤثری داشته باشند.

۲۶. آموزش

همه‌ی مردم حق برخورداری از آموزش را دارند. بنابراین نظام آموزشی بایستی بدون توجه به محل سکونت و اوضاع مالی مردم به همه آموزشی سودمند و یکسان ارائه دهد. این امر نیز خواهان وجود یک سازمان آموزشی اجتماعی قابل دسترس برای همه با آموزش رایگان و همگانی در مدارس ابتدایی و دبیرستانها و دانشگاه‌ها می‌باشد.

مدارس ابتدایی باید آگاهی‌ها و تودستی‌هایی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند که همه‌ی شهروندان بسان اعضای جامعه و شریک در زندگی حرفه‌ای و اجتماعی در جهت پیشرفت و رشد خود بدان نیازمندند. دبیرستانها و مدارس عالی باید آموزشهای بیشتر تخصصی را در همانندی با گزینش دانش‌آموز یا دانشجوی و نیاز بازار کار عرضه کنند. همزمان رشته‌های گوناگون تحصیلی باید آگاهی عمومی دانش‌آموزان را افزایش دهد، طوری که دانش‌آموزان پس از پایان دوره‌ی دبیرستان واجد چنان شرایطی باشند که بتوانند بین ادامه‌ی تحصیل و انتخاب شغل یکی را برگزینند.

برنامه‌ریزی آموزش در همه‌ی سطوح آموزشی بایستی به گونه‌ای باشد که در خدمت نیرومند کردن آزادی فکری و قدرت همکاری و پی‌ریزی اندیشه‌ی دموکراتیک در باره‌ی زندگی باشد. سرپرستان آموزشگاه‌ها، دانش‌آموزان و پدر و مادران بایستی با همفکری هم در برنامه‌ریزی کار پیوسته‌ی مدرسه مؤثر باشند. آموزش و راهنمایی حرفه‌ای - آموزشی مدارس باید در جهت تقویت برابری جنسی بوده و با گزینش حرفه و آموزش بر پایه‌ی موازین طبقاتی و جنسی مبارزه شود.

پدر و مادران برای فراهم آوردن شرایط بهتر رشد برای فرزندانشان در قبال کودکان و نوجوانان مسئولیت دارند. اما نهادهای گوناگون اجتماعی و نیز بازار کار و گروه‌های دیگر شهروندان نیز مسئول فراهم آوردن امکانات و تسهیلاتی برای پدر و مادران هستند تا آنها بتوانند بوظایفشان در قبال فرزندانشان عمل نمایند. هدف از حمایت مالی به خانواده‌های بچه‌دار در واقع کودکان هستند و این بطور کلی از راه کمک هزینه‌ی همگانی به کودکان صورت می‌گیرد.

کسری در آمد پدر و مادران که به سبب نگهداری از فرزندانشان چه به شکل تمام وقت و چه کاهش ساعات کار روزانه‌شان، در مراحل گوناگون پیش از رفتن کودکانشان به آموزشگاه یا در حالت نگهداری از کودک بیمار متحمل می‌شوند، بوسیله‌ی بیمه‌ی والدین پرداخت و جبران می‌شود. همچنین جامعه از خانواده‌های بچه‌دار از راه آموزش پدر و مادران، خدمات درمانی - بهداشتی مادران و کودکان و خدمات درمانی در آموزشگاه‌ها که در اختیار همگان قرار داده‌اند پشتیبانی می‌کند.

کودکان خردسال زیر سن دبستان از این حق برخوردارند که به یکی از نهادهای کودک‌کیاری از مکتب‌های گوناگون پرورشی وارد شوند. مسئولیت نگهداری از آموزگان دبستانی در شکل‌های سازماندهی شده نیز بعهده‌ی جامعه است. برای دانش‌آموزان بزرگتر دبستانی تفریحات سالم ترتیب داده می‌شود و از آن‌گونه برنامه‌ها حمایت مالی می‌شود. شیوه‌های کودک‌کیاری تعاونی و غیر انتفاعی از کودکان خردسال و کودکان دبستانی نیز مورد حمایت جامعه قرار می‌گیرد.

تقویت گردد. پژوهشهای پایه‌ای و علمی باید پیش از پیش تقویت شوند. انجام پژوهشهایی در مورد جامعه و امکان اینکه پژوهشگران بتوانند آزادانه نتایج پژوهش خود را اعلام نمایند، باید تضمین شود. این امر نیز مهم است که نتایج پژوهشهای پایه‌ای یا پژوهشهای از پیش انجام شده مرتبط گردد. بازنمایی واقعیت‌ها از راه استفاده از دستاوردهای پژوهش نباید به پایمال شدن شخصیت افراد منجر شود. به داوریهای مربوط به اصول اخلاقی و آداب و رسوم باید بیشتر بها داده شود و سنجش آنها باید با همکاری افراد نیکو کار و بی طرف انجام پذیرد. شرکتهای کمونها و شوراهای استانی باید برای پیشرفت اموری که با فعالیتهایشان رابطه‌ی تنگاتنگ دارد، مسئولیت بیشتری را بر عهده بگیرند.

در کارهای پژوهشی وظیفه‌ی پایه‌ای سازمان امور دانشگاه‌ها و مدارس عالی آنست که آموزش پژوهشگران را عهده دار شود تا کارهای پژوهشی را در سطح هر چه بالاتر بین المللی انجام دهند. بمنظور پدید آوردن تنوع باید نهادهای گوناگونی در کنار دانشگاه‌ها و مدارس عالی وجود داشته باشند تا در مورد تأمین مالی کارهای پژوهشی تصمیم گیری کنند. فعالیتهای پژوهشی یا برنامه ریزی عالی و موفق صنایع از اهمیتی استراتژیک برخوردار است و باید مورد تشویق و پشتیبانی قرار گیرد. فعالیت فشرده‌ی پژوهشی و تحقیقاتی در سوئد، بویژه هنگامیکه پژوهش در اروپا در حال گسترش است، از ارزش بسزایی برخوردار است.

یکی از وظایف مهم سیاست بازرگانی تشویق پیشرفت پژوهشهای تکنیکی و تسهیل گسترش فن‌های جدید است. این امر با برنامه ریزی‌های خاص و گسترش شرکت‌های کوچک و متوسط آسانتر می‌گردد. همچنین بین سیاست‌های آموزشی و پژوهشی و سیاست‌های تجاری منطقه‌ای باید یگانگی و همگونی وجود داشته باشد. آموزشهای مدارس عالی کشور باید کانالی باشد به آموزش‌های پژوهشی و تحقیقاتی و ارتباط دنیای علم و دانش با محیط اجتماعی باید عمیقتر گردد و در جهت جذب پژوهشگران نسل جدید به کارهای تحقیقاتی کوشش بیشتری صورت گیرد. این کوشش باید به ایجاد امکانات برای کار تمام وقت پژوهشی برای زنان نیز منجر شود.

۲۸. فرهنگ

ارزشهای فرهنگی باید در دسترس همگان قرار گیرد. دولت، شوراهای استانی و کمونها برای برانگیختن فعالیتهای فرهنگی در سراسر کشور مسئولیت مشترک دارند و از راه تشکیل و تأسیس بنیادهایی در سطح استان زمینه‌ی رسیدن به این

هیچ دانش آموزی بدون به پایان رساندن دوره‌ی آموزشی و بدست آوردن آگاهی‌ها و ترمستی‌های آشکار و پیش‌بینی شده در برنامه‌های درسی اجازه‌ی ترک تحصیل را ندارد و آموزشگاه‌ها مسئولیت دارند این امر را پیگیری کنند. اجرای این کار خواهان آنست که آموزش با توجه به استعداد و توانایی فرد در دانش آموزان انجام گیرد و دانش‌آموزان نیز با توجه به نیازهای ویژه‌ی خود از پشتیبانی فردی بیشتری برخوردار گردند.

آموزش مسائل مربوط به دیدگاه‌های گوناگون از زندگی و جهان‌بینی بایستی مبنی بر واقعیت و همه‌ی جوانب باشد. کارکنان بایستی از حق قانونی مرخصی برای ادامه‌ی تحصیل برخوردار باشند. نظام آموزشی باید بگونه‌ای سازماندهی شود که امکان آموزش دوباره در بزرگسالی را با امکان تحصیل بجای کار را فراهم نماید. آموزش کارکنان در محل کار باید عادلانه تقسیم شود و همه‌ی جنبه‌های کارکنان را دربرگیرد. باید به آموزش مانند اقداماتی مهم برای فرد و امکان پیشرفت بیشتر محیط کار نگریست.

کسانی که دارای تحصیلاتی در سطح پائین هستند، برای ادامه‌ی آموزش در بزرگسالی حق تقدم دارند. برای تشویق و برانگیختن این افراد به ادامه‌ی تحصیل در بزرگسالی اقدامات علمی و پژوهشی ویژه‌ای انجام می‌گیرد. جامعه باید بمنظور پیشبرد و گسترش دانش و راهمونی در بخش خصوصی نیز مسئولیت بپذیرد. سازمانهای غیر انتفاعی مردمی، مدارس عالی مردمی و آموزش‌همگانی نیز در این مورد نقشی اساسی ایفا می‌کنند. بینش مربوط به دانش و فرهنگ که همواره فراگیری داوطلبانه‌ی شرکت کنندگان در جنبش‌های مردمی را تحت تأثیر قرار داده است، کمک مهمی است برای واقعیت بخشیدن به دمکراسی و دستیابی روزافزون به آن. دستاورد دیگر این بینش اینست که افراد بویژه به سبب بالابردن سطح دانش خویش اعتماد بنفس بیشتری می‌یابند. کمک هزینه‌های تحصیلی به دانش‌آموزان بصورتی باید باشد که هیچ‌کس بدلیل مالی از تحصیل محروم نشود.

۲۷. پژوهش

مهمترین وظیفه‌ی پژوهش گسترش مؤثر امکاناتیست برای آفرینش نظمی دمکراتیک در آینده. به این مناسبت جامعه باید مسئول هماهنگی فعالیتهای پژوهشی و پیشبرنده‌ی سراسر کشور باشد. آن بخش از نیروی کار که در مدارس عالی و مؤسسه‌های تولیدی به کارهای پژوهشی و تحلیلی می‌پردازند، باید افزایش یابد و در نتیجه تجمع نیرو بگونه‌ای که توانایی رشد و رقابت داشته باشد،

مساحتی که نیاز آنان را برآورده می‌سازد، برخوردار باشند. این امر خود به پشتیبانی اقتصادی جامعه و نیز کمک مالی دولت برای ساختن مسکن دارد تا بدینوسیله باندازه‌ی کافی مسکن‌های تازه با سطح استاندارد بالا ساخته شود و مرمت و بازسازی مناسب ساختمانهای مسکونی کهنه تضمین گردد.

در ساختن محلهای مسکونی و عرضه‌ی آنها به مردم کمونتها مسئولیت مستقیم دارند. این امر بنوبه‌ی خود خواهان اجرای سیاست فعال ملکی توسط کمونتهاست. با در پیش گرفتن این سیاست ساختن مسکن برای همگان و بشکل تعاونی نیز تقویت می‌گردد.

اشکال گوناگون اجاره و واگذاری باید با کمک هزینه‌ی مالی برای گذران زندگی و هزینه‌ی سکونت همخوانی داشته باشد. میزان اجاره بها و داشتن حق مستأجرها برای گفت و گو و سازش با موجرها در مورد مقدار اجاره بها باید در شرایط اجاره گنجانده و از این راه کنترل شود. باید از فعالیتهای سودجویانه‌ی ناپسند در ساختمانسازی، مدیریت اماکن مسکونی و خریدوفروش پیشگیری شود. ساکنان ساختمانهای مسکونی با هر گونه شکل اجاره و تملک و سکونت باید امکان تأثیر بر شرایط اداره‌ی محل سکونت، خدمات، بازسازی و محیط زیست محدوده‌ی زندگی خود را داشته باشند.

ساختن محلهای مسکونی جدید یا بازسازی مسکن کهنه باید بصورتی طرح ریزی شود که با اوضاع و شرایط گوناگون مالی ساکنان و سنین مختلف متناسب باشد و در نتیجه از پدیدآوردن تبعیض در چگونگی و کیفیت محل سکونت جلوگیری شود. کمونتها در برنامه ریزیهای توأم و همزمان برای ساختن ساختمانهای مسکونی و گسترش خدمات اجتماعی دیگر، مانند آموزشگاه‌ها، وسایل ارتباطی و کودکیاری مسئولیت دارند. همچنین کمونتها باید بتوانند موجرها را موظف کنند که آپارتمانهای خالی خود را برای اجاره در اختیار اداره‌ی مسکن قرار دهند.

۳۰. خدمات درمانی - بهداشتی

همه‌ی مردم، بدون توجه به درآمد و محل سکونت و بر پایه‌ی نیاز حق دارند از خدمات درمانی - بهداشتی برخوردار باشند. این امر خواهان وجود خدمات درمانی - بهداشتی دهان و دندان با هزینه‌ی مشخص و همچنین بیمه‌ی بیماری است که کسری در آمد شاغل را بهنگام بیماری و بر پایه‌ی قوانین موجود جبران کند و برای همه حقوق بگیران یکسان باشد.

سازمان خدمات درمانی مسئولیت دارد در زمینه‌ی خدمات درمانی روانی و جسمی، خدمات درمانی - بهداشتی مادران و کودکان، معاینه‌های پزشکی و آگاهی‌های

هدف را فراهم می‌کنند. سیاست فرهنگی پیشرفته بدون فعالیت کامل هنرمندان امکان‌ناپذیر است، بدینجهت تضمین شرایط کاری مناسب و امکان درآمد کافی برای هنرمندان وظیفه‌ای اساسی است.

پایه‌ی فعالیت هنرمندان حرفه‌ای امتیازی است که دستمزد کاری آنها را تضمین می‌کند. هنگامیکه گرایش‌های قوی اقتصادی می‌کشند که برای استثمار و بهره‌کشی آسانتر از هنرمندان در بازار دادوستد از اهمیت و حق امتیاز آنان بکاهند، حمایت و پشتیبانی از حق امتیاز هنرمندان اهمیتی بسزا می‌یابد. فعالیت جمعی مردم، آواز، موسیقی، گروه‌های تئاتر، سازمانهای جوانان و دیگر محافل در سرتاسر کشور یک شبکه‌ی ارتباطی فرهنگی را تشکیل می‌دهند که برای دستیابی انسانها و سهم شدن آنان در خلاقیت‌های هنری اهمیت دارد.

مدارس عالی و آموزشگاه‌های تحصیلی به سبب وسعت پذیرش دانشجویان مهم و ویژه‌ای در تقویت و پشتیبانی از رشد فرهنگی برابر و دموکراتیک دارند. فعالیت هنری پیوسته و مردمی در محیط کار و زندگی روزانه بخشی از سیاست فرهنگی است. کارهای فرهنگی ویژه‌ای در چهارچوب برنامه‌های کودکیاری، آموزشگاه‌ها و اتحادیه‌ها نیز انجام می‌گیرد. با تجاری و انتفاعی کردن اوقات فراغت میانه می‌شود و از راه حل‌های غیر تجاری پشتیبانی بعمل می‌آید. همکاری میان هنرمندان حرفه‌ای و آماتورها برای دستیابی به تنوع هر چه بیشتر و کیفیت بهتر پدیده‌ها و آثار فرهنگی حائز اهمیت است.

فرهنگ و هنر دوران گذشته نگهداری و پویا می‌شود. این امر ارتباط بین نسلا را محکم تر می‌کند و احساس تعلق به زادگاه خویش را افزایش می‌دهد و در نتیجه شرایط بهتری برای گسترش گردش فرهنگی و نگهداری محیط فرهنگی ایجاد می‌شود.

از پایاپای کردن تجربه‌ها و ایده‌های ماورای مرزهای زبانی و ملی و فرهنگی پشتیبانی می‌شود. سیاست فرهنگی ابزاربست مهم برای رشد و غنای آزادی بیان در این رابطه جنبه‌های دگرگونی تقویت می‌گردد. ویژگی رادیوی سراسری سوئد بسان مؤسسه‌ای در خدمت همه‌ی مردم سوئد کماکان پابرجا بوده و فعالیت رسانه‌های گروهی گوناگون و چند جانبه تضمین می‌شود.

۳۲. خدمات اجتماعی

با روابط ناسالم اجتماعی و کمبودهای محیط زندگی که نطفه‌ی مشکلات اجتماعی را تشکیل می‌دهند، باید از راه اجرای فعالیت‌های هماهنگ در آموزشگاه‌ها، محیط‌های کار و مناطق مسکونی مبارزه نمود. این فعالیت‌ها وظیفه‌ایست عمده برای نهادهای گوناگون اجتماعی و در همکاری آنان با یکدیگر و گروه‌هایی که بویژه به آنها مربوط می‌شود، سازمان‌های صنفی و مردمی گوناگون جامعه نیز در جهت از میان برداشتن روابط ناسالم اجتماعی مسئولیت دارند، اما این گونه مشکلات بدون همکاری و همیاری خود شهروندان قابل حل نخواهد بود.

فعالیت‌های خدمات اجتماعی طوری سازمان‌دهی می‌شود که پاسخگویی خواست اختیاری افراد باشد، به آنها امکان انتخاب راه‌حلهای گوناگون را بدهد و شرایطی فراهم آورد که افراد بتوانند بر برنامه‌های چاره‌ساز مسائل نظارت کنند و بر آنها تأثیر بگذارند. انسانها در برخورد با مشکلات اجتماعی نباید بدون کمک و حمایت بمانند. در این راستا مسئولیت نهایی آشکارا بعهده‌ی جامعه است. در ادامه

ی این مسئولیت باید بموقع به یاری افراد تحت فشار شناخت و به شیوه‌های گوناگون آنانرا برای حل مشکلات و بازسازی خویش تشویق و ترغیب نمود. معیارهای کمک‌های اجتماعی باید ساده و همشکل باشد. کمک‌ها باید به شیوه‌ای ارائه شوند که به هویت و موجودیت فرد خدشه وارد نشود و با اقدامات و رهنمودهای سازنده همراه باشد. بی شک مقامات و مسئولان اداره‌های کاریابی و بازار کار برای همکاری با خدمات اجتماعی مسئولیت ویژه‌ای بعهده دارند.

۳۳. مواد مخدر

با مصرف مواد مخدر و سوء استفاده از مواد اعتیادزای دیگر مبارزه می‌شود. مصرف مشروبات الکلی، تنباکو و مواد اعتیادآور دیگر بایستی کاهش یابد تا سلامتی مردم تأمین شود. انجام این امر خواهان اقداماتی است در جهت از بین بردن روابط ناسالم در اجتماع و محیط کار که در واقع هسته‌ی اصلی اعتیاد را تشکیل می‌دهند. همچنین اقداماتی در جهت مداوا و توانبخشی معتادین، دادن آگاهی در باره‌ی تأثیرات منفی و زیانمند مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر دیگر به معتادان و به مردم و تصویب قوانینی علیه مصرف مخدر بایسته است.

مداوای معتاد باید با خواست و همکاری خود او و نیز بزرگداشت شخصیت وی

درمانی - پزشکی فعالیت‌های پیشگیرانه انجام دهد. مراکز خدمات درمانی و درمانگاه‌ها خدمات درمانی - بهداشتی پایه‌ای را عرضه می‌کنند، در صورتی که خدمات درمانی تخصصی در بیمارستانهای تخصصی گوناگون که در سراسر کشور وجود دارند، ارائه می‌شود.

افراد باید بتوانند تا آنجا که امکان دارد از خدمات درمانی مورد نیاز خود بهره‌مند شوند و حق انتخاب درمانگاه را داشته باشند. نیازمندان به خدمات درمانی باید بتوانند به اندازه‌ی خدمات درمانی بالینی از خدمات درمانی خانگی نیز بهره‌مند گردند. بیماران حق دارند از روش مداوای خود آگاهی داشته باشند، که این خود به دادن اطلاعات قابل فهم و پیوسته در باره‌ی راه‌حلهای مداوا و روند آن نیاز دارد.

تجربه‌های خدمات درمانی - بهداشتی و پژوهش‌های درمانی باید در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی گنجانده شود. اطلاعات مربوط به تأثیرات فرایند‌های شفلی گوناگون، مواد شیمیایی و فصولات و زیاده‌های کارگر بر محیط زیست، مواد ساختمانی و ابزار فنی زیانمند دیگر بایستی پیوسته جمع‌آوری گردد، مورد مطالعه قرار گیرد و نتایج آن در کار ساختمان‌چامعه و محیط کار مد نظر قرار گیرد تا در نتیجه اوضاع بهداشتی بهتری برای همگان فراهم آید.

بکارگیری تجربه‌ها و دانش گروه‌های گوناگون کارکنان، بخش خدمات و کار درمانی و روش برخورد آنان با بیماران مهم است. این امر خواهان شیوه‌ی کار دمکراتیک، آموزش کارکنان بصورت منظم و یک نظام آموزشی پویای درمانی است که ادامه‌ی تحصیل و آموزش رشته‌ی درمانی را از سطوح پائین به بالاتر ممکن می‌سازد.

۳۱. بیمه‌های اجتماعی

با بکار بستن بیمه‌های اجتماعی امنیت مالی افراد در صورت بیماری، نقص عضو، رویدادهای مرگ‌ناز آور خانواده، بیکاری و سالمندی تضمین می‌شود. سیستم بیمه‌های اجتماعی همچنین این امکان را برای پدرمادران کودکان فراهم می‌کند که در مدت معینی برای نگهداری از فرزندان خود ساعات کار خود را کاهش دهند یا بطور کلی دست از کار بکشند. همه‌ی ساکنان کشور از سیستم بیمه‌های اجتماعی برخوردار هستند. مخارج این سیستم از راه همیاری همگانی شهروندان و پرداخت درصدی از درآمد خود بطور عادلانه تأمین می‌شود.

صورت پذیرد. در این رابطه باید وضعیت اعضای خانواده ی وی نیز مورد توجه قرار گیرد. اقدامات درمانی ناخواسته ی بیمار منقاد باید به موارد کاملاً ضروری محدود گردد. راه حل‌های گوناگون مداوا با توجه به نیاز و اوضاع فرد باید ارائه شود. در این رابطه جامعه از عملکردهای سازمانهای مردمی غیر انتفاعی در مبارزه بر علیه مواد مخدر پشتیبانی می نماید.

۳۴. **جرم**
مبارزه با بزه کاری و شکستن قوانین باید در درجه ی نخست از راه اقدامات پیشگیرانه صورت گیرد. در این راستا توجه خاص به نسل جوان بایسته است. آموزشگاه ها، سازمانهای امور اجتماعی و سازمانهای جوانان در این راستا نقش اصلی را بعهده دارند.

کسانی که به سبب خلاقکاری دیگران دچار آسیب و خسارت می شوند - بویژه در اثر ارتکاب جرائمی که تجاوز به موجودیت و هویت و شخصیت فرد شمرده می شود - باید از حمایت و کمک پدیدریخ جامعه برخوردار شوند. مجازات بزهکاران توسط جامعه باید بصورتی انجام گیرد که از سویی برای شهروندان در رابطه با جرم انجام شده قابل پذیرش و از سوی دیگر تا حد امکان از خودسازی بزهکار و بازگشت وی به جامعه جلوگیری نکند. برنامه ی مداوا باید در رابطه با رده بندی گوناگون تخلف از قانون تنظیم گردد و راه حل‌های آزاددرمانی بجای مجازات زندان گسترش یابد. نهادهای نگهداری از بزهکاران مانند ندامتگاه ها و نهادهای مداخله‌ساز گوناگون جامعه در این راستا باید فعالیتهای خود را هماهنگ سازند. سوئد باید به سطح بین المللی در جهت انسانی کردن خدمات برای زندانیان و پایان دادن به مجازات اعدام در همه ی کشورهای بکوشد.

۳۵. **ورزش و تفریحات سالم**
از اماکن ورزشی سرپسته و فعالیتهای ورزشی در فضای باز باید حمایت کرد و تفریحات سالم و تمرین های ورزشی جوانان را تشویق نمود. کمک و پشتیبانی اجتماعی از فعالیتهای ورزشی زنان و مردان باید برابر و هماهنگ باشد و با چیرگی تجاری بر ورزش مبارزه شود.
همه حق دارند آزاده و با در نظر گرفتن محدودیتهای ناشی از نگهداری طبیعت از طبیعت استفاده کنند. از آنهایی که در آن ها ماهیگیری می شود مراقبت شده و در دسترس همگان قرار داده می شود. کمک جامعه از فعالیتهای اوقات آزاد باید در درجه ی نخست بوسیله ی سازمانهای مردمی و اتحادیه ها جهت داده شود.